

شبیخون قوه قضائیه علیه اصلاح طلبان

● روزنامه بیان هم توقیف شد

● قوه قضائیه به کانون توطئه تبدیل شده است

● نامه اعتراض ۱۵۱ نماینده مجلس شورا و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به شاهرودی

شبیخون آنان محدود به یک کانون نیست. در دانشگاهها، دانشجویان را سرکوب می‌کنند و تظاهرات آنان را در داخل دانشگاه «غسیرقانونی» می‌خوانند، ۱۷ روزنامه را یکشنبه تعطیل می‌کنند، برای روزنامه‌نگاران پرونده می‌سازند، نمایندگان مجلس را به خاطر ارسال نامه به رئیس قوه قضائیه و اقدام به لغو اصلاحیه قانون مطبوعات مصوب مجلس پنجم، تهدید به «برخورد قانونی» می‌کنند. حتی خاتمی، رئیس جمهور که تسامح طلبان تا کنون بنا به مصلحت از تهاجم آشکار علیه وی پرهیز می‌کردند، به اتهام تقلید از الگوی بیگانه و دفاع از نظام «سکولار» هدف حمله قرار می‌دهند (مقاله مندرج

در روزنامه رسالت با عنوان «سخنی با رئیس جمهور»).
قوه قضائیه همیشه کانون دشمنان آزادی بوده است. سرخ همه کسانی که علیه اصلاحات توطئه می‌چینند، مطبوعات را تعطیل می‌کنند، پشتیبان جنایتکاران هستند؛ در قوه قضائیه به هم می‌رسد. با آمدن شاهرودی نه فقط از میزان بگری و بندهای غیرقانونی و خودسرانه دوران یزدی کاسته نشد، بلکه تهاجم علیه دستاوردهای دوم خرداد شتاب بیشتری گرفت.

با این «ابزار» از حق اعمال قهر برخوردار است. همین اظهارات رئیس قوه قضائیه علیه مطبوعات، یک اقدام غیرقانونی و تشویق گروهای فشار به اعمال نابهنجار حقوقی و اجتماعی است. نمونه‌ای از خودسری‌های قوه قضائیه در نامه ۱۵۱ تن از نمایندگان مجلس ششم به رئیس قوه قضائیه بازتاب دارد.

نامه ۱۵۱ نماینده مجلس ششم
۱۵۱ نماینده با ارسال نامه به هاشمی شاهرودی، نگرانی شدید خود را نسبت به وضعیت قضائی کشور ابراز کرده‌اند. در نامه نمایندگان مجلس ششم خطاب به رئیس قوه قضائیه آمده است: «در دو ماه اخیر شاهد سلسله دستگیری‌هایی به بهانه‌های ادامه در صفحه ۲

مجلس شورا در نخستین چالش‌ها

دست برداشتند. بعد از انتخابات هیئت رئیسه، کانون کشمکش‌ها در مجلس به موضوع مطبوعات انتقال یافت و فشار از داخل و بیرون مجلس برای کنار گذاشتن موضوع افزایش یافت. نمایندگان جبهه مشارکت بر طرح دوفوریتی آن در مجلس تاکید داشتند و کروی به همراه پارانش در مجمع روحانیون مبارز، این بار هم در مقابل جبهه مشارکت ایستادند و با طرح آن در مجلس مخالفت نمودند. سرانجام در طیف جبهه دوم بر طرح یک فوریتی آن در مجلس توافق شد و در مجلس رای بالایی هم اخذ نمود. کروی در هنگام رای‌گیری از جایش برخاست و مخالفت خود را نشان داد. ادامه در صفحه ۳

نمایندگان اصلاح طلب مجلس شورا در چند اقدام اولیه، تصویری مثبت از خود به جامعه ارائه دادند. برخورد نمایندگان در انتخاب هیئت رئیسه موقت، تاثیر مثبتی بر ذهن رای‌دهندگان گذاشت و واکنش‌های منفی را برانگیخت. در انتخابات هیئت رئیسه دائم، گرچه مشارکتی‌ها ریاست مجلس را به کروی که نماینده گرایش سنتی و محافظه کار در طیف چپ مذهبی است، سپردند، ولی انتخاب سایر اعضای هیئت رئیسه که اکثر آنها از مشارکتی‌هاست، ذهنیت‌ها را تغییر داد. بازندگان انتخابات ۲۹ بهمن، انتخابات هیئت رئیسه را باختند و کرسی‌ها را به مدافعین اصلاحات سپردند و از ادعای داشتن اکثریت در مجلس ششم

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

یورش به جنبش دانشجویی در

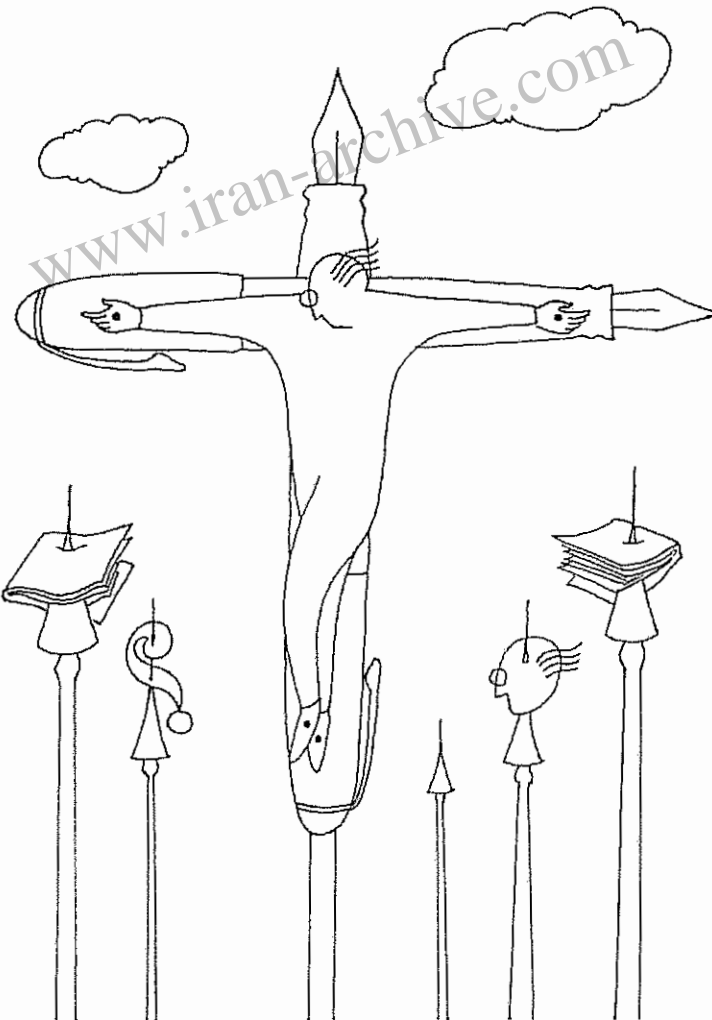
آستانه سالروز حمله به کوی دانشگاه!

در صفحه ۳

روزگرمی ۸ تیر!

گفتن و نوشتن سخنی نو چشم‌داشتی نیست که بی چون و چرا درست باشد. بزرگداشت روزهای بزرگ این چنینی، ارج نهادن به تلاش و کوششی ارجح است در راه آرمان‌ها و مردان بزرگ پای‌فشاری بر

۸ تیر، روز جان‌باختگان سازمان روزی گرمی است. چرا که جان‌باختگان سازمان فرزندان گرمایی این آب و خاک و هم‌زمان گرمایی مايند. در سخن هر ساله از این زنان و مردان بزرگ پای‌فشاری بر



پیرامون رویدادهای سیاسی کشور و مواضع ما

باز کرده است. آغاز کار مجلس اما، شکاف درونی این جبهه، خاصه بین مشارکت، که بزرگ‌ترین فراکسیون در درون جبهه دوم خرداد و نیز در مجلس است، و مجمع روحانیون مبارز را آشکارتر کرد. مجمع روحانیون مبارز، که با تعداد قابل ملاحظه آرای خود (بیش از ربع آرا) دومین فراکسیون مجلس را تشکیل می‌دهد. با بهره گرفتن از آرای تسامح خواهان، سعی در تقویت موقعیت خویش در برابر

و نزدیکی بین آن‌ها را روشن کرد. جبهه دوم خرداد پیش از دوم آرای مجلس را داراست و با تکیه بر این آرای می‌تواند در مسائل مهم کشور به همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم توسل جوید. فقدان توانایی تسامح‌خواهان برای انداختن مجلس از اعتبار (آبستراکسیون)، به دلیل داشتن کمتر از ربع آرای مجلس، راه را برای جبهه دوم خرداد جهت مراجعه به آرای عمومی مردم در موارد ضرور

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان در اجلاس اخیر خود، به تساریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۰۰، رویدادهای سیاسی کشور در چند هفته اخیر را مورد بحث و بررسی قرار دارد و تحلیل فشرده رویدادها و مواضع ما در قبال آن‌ها را به قرار زیر ارائه کرد: انتخابات هیئت رئیسه دائم مجلس ششم، مهم‌ترین رویدادها در هفته اخیر در عرصه سیاسی بود. این انتخابات تا حدودی وزن جبهات و فراکسیون‌های موجود در مجلس شورا، و دوری

قوه قضائیه: ابزار سرکوب

قوه قضائیه در ماه‌های اخیر دوره پرمشغله‌ای را می‌گذراند. هر روز در روزنامه‌ها، خبرهای متعددی درج می‌شود که به قوه قضائیه و فعالیت‌های آن برمی‌گردد. تعطیلی روزنامه‌ها، احضارهای متعدد روزنامه‌نگاران به دادگاه مطبوعات و به محاکمه کشاندن روزنامه‌نگاران جسور و افشاگر، احضار اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت و بازداشت طبرزدی و یاران او، برگزاری دادگاه مهاجمین به کوی دانشگاه و عاملین ترور ججاریان، فعالیت قوه قضائیه بعد از برگزاری انتخابات دوره ششم، شکست مخالفین اصلاحات و پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات به چندین برابر افزایش یافته است. اقتدارگرایی بعد از پایان عمر مجلس پنجم و کوتاه شدن دست آنها از قوه مقننه، کانون اقدامات خود را در قوه قضائیه متمرکز کرده‌اند. اکنون قوه قضائیه در نوک پیکان یورش نام‌گرایان علیه اصلاحات سیاسی و فرهنگی کشور قرار گرفته است.
قوه قضائیه مداوما علیه اصلاح طلبان به ویژه دانشجویان و روزنامه‌نگاران پرونده می‌سازند، عناصر موثر و برجسته نیروهای اصلاح طلب را از صحنه سیاسی کشور دور می‌کنند و به گوشه زندان‌ها می‌فرستند. روزنامه‌نگاران افشاگر را خفه می‌سازند، رهبران جنبش دانشجویی را تحت فشار قرار می‌دهند و یا راهی بازداشتگاه‌ها می‌کنند. اکنون قوه قضائیه جایگزین ارگان‌هایی شده است که مخالفین اصلاحات از دست داده‌اند. قوه قضائیه به طور شاخص به ارگان قهر و سرکوب تبدیل شده است و بخشی از عملکرد وزارت اطلاعات را نیز به عهده گرفته است. قوه قضائیه به سد و مانع پیشرفت اصلاحات سیاسی و به ابزار موثر و کارساز مخالفین اصلاحات تبدیل شده است.
زمانی که یزدی کنار رفت و شاهرودی جایگزین وی شد، در بین اصلاح طلبان حکومتی با توجه به سخنان شاهرودی، امیدهایی برای تغییر و تحولات در قوه قضائیه به وجود آمد. ولی گذشت زمان نشان داد که فارغ التحصیلان مدرسه حقانی، آن‌چنان قوه قضائیه را در چنگ خود گرفته‌اند و آن‌چنان در تار و پود آن ریشه دوانده‌اند که با وجود ساختار موجود، هرگونه امیدبستن به اصلاحات در این قوه بیهوده است. شاهرودی در عمل نشان داد که نه به «توسعه قضائی» که در سخنرانی‌هایش مطرح می‌کرد، اعتقاد دارد و نه مرد میدان مبارزه با فارغ التحصیلان مدرسه حقانی است. او مجری اوامر خامنه‌ای و تابع آن کسانی است که قوه قضائیه را از دوره ریاست یزدی به چنگ خود درآوردند.

قوه قضائیه که باید سمبل قانون‌مداری و پاسدار حقوق بشر در کشور باشد، بزرگ‌ترین ناقض آن است و هرآنجا که در سرکوب مطبوعات و نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب در استناد به قوانین ارتجاعی کم می‌آورد، از قوانین ارتجاعی دوره شاه یاری می‌طلبد.
حقوقدانان کشور در مصاحبه‌ها، مقالات و در سمینارها، عملکرد و ساختار قوه قضائیه و قوانین ارتجاعی را به نقد می‌کشند و پیشنهادهایی خود را برای توسعه قضائی ارائه می‌دهند. سمیناری که در هفته گذشته برای بررسی عملکرد قوه قضائیه در زمینه حقوق بشر تشکیل شده، تنی از حقوق‌دانان زبان به انتقاد گشودند. ولی قوه قضائیه بی توجه به این انتقادها به عملکرد سرکوب‌گرانه خود ادامه می‌دهد.
قوه قضائیه به ابزار جناح اقتدارگرا تبدیل شده و از نهاد تنظیم‌خواهی، به ارگان سرکوب سقوط کرده است. جناح اقتدارگرا از کانال قوه قضائیه ادامه در صفحه ۳

در این شماره
اصلاح طلبان حکومتی و ضرورت کار سازمان‌نگران
بهروز خلیق صفحه ۶
تحولات اجتماعی، فکری - فرهنگی بعد از انقلاب بهمن
مهندس تدریجی با چشم‌انداز
محمد عبدالرحیم‌پور صفحه ۷
«برادرم صمد بهرنکی» روایتی معقول از مرگ صمد
بهروز حتی صفحه ۹
عرضه ایدئولوژی
یان مکنزی صفحه ۱۰
مردم متعادل و منطقی شده‌اند!
کتکو با مهندس سبحانی صفحه ۱۱

حل معضلات اقتصادی در

فضای بسته ممکن نیست

ادامه از صفحه اول

آقای خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در نخستین دیدار عمومی خود با نمایندگان مجلس ششم، اولویت مجلس را بهبود وضعیت اقتصادی دانست. تأکیدهای مکرر اخیر بر اولویت حل معضلات اقتصادی بر مسائل سیاسی، ترجیح‌بندی است که از چند ماه پیش، محور تبلیغات محافظ و رسانه‌های وابسته به جریان اقتدارگرا در حکومت اسلامی است. این تأکیدات در شرایطی صورت می‌گیرد که تقریباً همه روزنامه‌های دوم خرداد را که اکثر نشریات بومیه عمده را تشکیل می‌دادند، به اشاره آقای خامنه‌ای و بدون حکم دادگاه بسته‌اند و شماری از سیاستمداران و روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب را به اتهامات مختلف به زندان افکنده‌اند. فضای سیاسی، علیرغم پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس، به مراتب بسته‌تر از ماه‌های پیش از انتخابات است. وقتی اصلاح‌طلبان به ضرورت باز کردن فضای سیاسی اشاره می‌کنند، مخالفان اصلاحات در حکومت پیوسته اولویت مسائل اقتصادی را پیش می‌کشند. در این تردیدی نیست که جناح اصلاح‌طلب حکومت، در سه سالی که از دوم خرداد می‌گذرد، چندان به مشکلات معیشتی اکثریت مردم توجهی نکرده است و کارنامه دولت خاتمی در این عرصه منفی است. صرف اینکه خاتمی سه سال پیش ناگزیر شد کابینه‌اش را با انواع و اقسام ملاحظات و به گونهای تشکیل دهد که اکثریت محافظه‌کار مجلس پنجم به آن رأی دهد، به ترکیبی در رأس امور اجرایی انجامید که از اساس، قدرت تصمیم‌گیری و مانور آن با توجه به اجزای متضادش به شدت محدود است. از چنین ترکیبی، انتظار تصمیمات شجاعانه و راهگشا نمی‌توان داشت. علاوه بر این، برخی جریانات اصلاح‌طلب درون و پیرامون حکومت، به گوندای یکطرفه به مسائل توسعه سیاسی بها می‌دهند و عنایت چندانی به خطری که از ناحیه فقر و فلاکت مردم، جنبش اصلاح‌طلبی را تهدید می‌کند، ندارند. مجموعه این عوامل، باعث شده است که در سه سال اخیر، وضعیت اقتصادی اکثریت زحمتکش جامعه پیوسته بدتر شود.

اخیراً به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان حکومتی به مسائل اقتصادی توجه بیشتری می‌کنند. به ویژه پس از تشکیل مجلس ششم، برای نخستین بار در سه سال اخیر رئیس‌جمهور برای اصلاح اقتصادی اصلاح‌طلب به صورت مشخص مطرح می‌شود. در مواردی مانند شکست

انحصارات و دیکراتیزه کردن اقتصاد، اصلاح‌طلبان و به ویژه جنبه مشارکت بر پاره‌ای از شرایط اصلی برای تخفیف بحران اقتصادی انگشت گذاشته‌اند، و در پاره‌ای موارد دیگر مانند گسترش روابط اقتصادی با غرب، هنوز راه‌حل‌ها با صراحت کافی ارائه نمی‌شود.

حل معضلات اقتصادی در فضای بسته سیاسی ممکن نیست. اولاً در فضایی بسته، در میان مردم نسبت به حکومت، اعتماد ایجاد نمی‌شود. عدم اعتماد جامعه به دولت، مخمل انگیزه فعالیت اقتصادی و وجدان مالیاتی است. مردم، حکومتی را که راه‌های اطلاع‌رسانی را بسته است، از آن خود نمی‌دانند که بدان اعتماد کنند و مطمئن باشند مالیاتی که می‌پردازند، صرف بهبود شرایط زندگی خودشان می‌شود.

ثانیاً یافتن بهترین راه‌های غلبه بر بحران اقتصادی، مستلزم تبادل آراء و عقاید و طرح‌های اقتصادی بدون رعایت تابوها و ممنوعیت‌های فکری است. فی‌المثل اگر بهبود وضعیت اقتصادی منوط به رفع انحصارات باشد، باید روزنامه‌ها و تریبون‌های مستقلی وجود داشته باشند که بدون در نظر داشتن منافع این انحصارات، به نقد عملکرد آنها بپردازند.

ثالثاً توسعه اقتصادی در گرو برقراری تعادل میان منافع و خواست‌های اقشار و طبقات مختلف جامعه است که این نیز در فضای بسته سیاسی ممکن نیست. در فضای باز است که تشکلهای صنفی مستقل می‌توانند پا بگیرند و از منافع گروه‌های مختلف مردم دفاع کنند. رابعاً در فضای بسته سیاسی، همواره دشمن واقعی یا موهوم خارجی است که برای توجیه سرکوب، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در غیاب روزنامه‌های مستقل از جریانات اقتدارگرا، هر گام عملی برای بهبود مناسبات اقتصادی با جهان، مورد تکفیر و شائناز رسانه‌های انحصاری قرار می‌گیرد. قابل تصور است که جناح راست حکومت تا جایی که بتواند، جلوی اقدامات عملی دولت خاتمی در این زمینه را بگیرد تا شاید اگر روزی دوباره عهده‌دار امور اجرایی شد، خود مبتکر بهبود روابط با غرب و بهره‌مند از مواهب اقتصادی آن شود.

همین دلایل کافی است که اکثریت مجلس ششم، ضمن توجه به حل مسائل اقتصادی که در ضرورت مبرم آن تردیدی نیست، پیگیرانه برای اصلاح قانون مطبوعات و بازگشایی نشریات گام بردارد.

شیخون قوه قضائیه علیه اصلاح‌طلبان

کشف «اسناد و مدارک جرم جاسوسی»! به بازرسی منازل و خانه‌گردی هم‌زمان عددهای از آنان می‌پردازد. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در پایان نامه سرگشاده خود خطاب به شهروندی، رئیس قوه قضائیه، نوشته است:

«به راستی چه موانعی در کار بوده است که حضرت‌تعالی تاکنون موفق به اصلاح و احیای ویرانه سوروشی نشده‌اید؟ آیا از شعارهای آغازین خویش عدول کرده‌اید و خود نمی‌خواهید یا نمی‌توانید؟»

نامه نمایندگان مجلس و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، خشم شدید جنبه مخالفان اصلاحات را برانگیخته است. روزنامه جمهوری اسلامی این نامه را اقدامی غیرقانونی و طلبکارانه خوانده و تقاضای نمایندگان برای رفع توقیف از روزنامه‌ها را «تلاش برای تحقق

گنجی در نامه خود، اظهارات قضای پرونده و رئیس دادگستری تهران را کذب محض خوانده و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با اشاره به تعطیلی شبانه ۱۷ روزنامه، دستگیری دانشجویان، احضار روزنامه‌نگاران به دادگاه، برخورد دوگانه قوه قضائیه با متهمان پرونده ترور حجاریان، قتل‌های زنجیره‌ای و اکبر گنجی، به مسئله دستگیری روزنامه‌نگاران شرکت کننده در کنفرانس برلین پرداخته و نوشته است:

«یکی از جناح‌های سیاسی مسی‌کوشد از موضوع کنفرانس برلین در جهت مقاصد خاص به بهره‌برداری سیاسی بپردازد. قوه قضائیه دست به کار شده و به احضار، بازجویی و بعضاً حبس برخی از شرکت‌کنندگان در آن کنفرانس اقدام کرده و اخیراً نیز در یک حرکت کم‌سابقه، با عنوان

دادگستری تهران با برخی از مطبوعات نه تنها موجب تنزل شان قوه قضائیه شده، بلکه مسبب وهن نظام در افکار بین‌المللی نیز گشته و اتهامات واهی، مستندات ناکافی، از همه مهم‌تر مخالفت آشکار این اقدام با قانون اساسی که موجب تذکر ریاست جمهوری اسلامی به عنوان مسئول اجرائی قانون اساسی نیز شده است.»

نمایندگان مجلس در پایان نامه خود، از رئیس قوه قضائیه خواسته‌اند به تعطیل موقت روزنامه‌ها که اقدامی غیرقانونی بوده، پایان دهد.

نامه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

اکبر گنجی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم در باره نقض حقوق قانونی شهروندان از طرف قوه قضائیه، به شهروندی نامه نوشته‌اند.

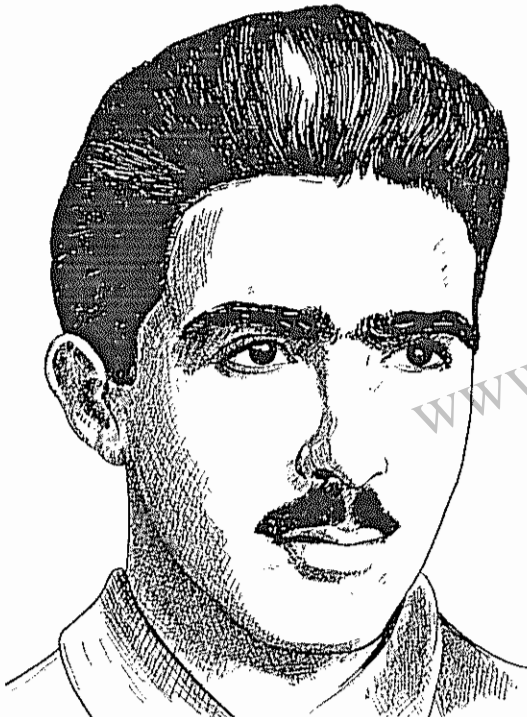
خواست‌های دشمنان نظام» توصیف کرده است. روزنامه جمهوری اسلامی در پایان مقاله به تهدید نمایندگان مجلس ششم پرداخته و نوشته است: «ورود به بازی‌های سیاسی و حمایت از بدخواهان نظام جمهوری اسلامی، موجب تحریک احساسات مردم می‌شود و مردم را در برابر آنان قرار می‌دهد.»

نزاع میان قوه قضائیه و اصلاح‌طلبان هنوز در آغاز راه است. ما در ماه‌های آتی شاهد حدت‌گیری این نزاع خواهیم بود.

توقیف روزنامه بیان

آخرین خبرهای رسیده حاکی از آن است که قوه قضائیه روزنامه بیان را هم به خاطر استفاده‌هایی که علیه شورای نگهبان و قوه قضائیه درج کرده بود، توقیف نمود و روزنامه دیگری بر آنبوه روزنامه‌های توقیف‌شده اضافه گشت.

آزادی و داد در ایران در زمان زمینی شدن این آرزوی آسانی ما نیز هم‌چنان به جای خواهد ماند. هم‌زمان ما، رفقای فدایی ما در نرد مهر جان خود را در جان آزادی این بر و بوم آمیخته‌اند. در آبادی اندیشه آزادی‌خواهانه مردم این سرزمین دیرینه ستون یادبود کرور کرور جگرگوشگان پاک و آزاده مردم همواره بر پا بوده است. در گذرهای کوتاه بی‌پیدا سنگ‌نشته‌های این گرامیان از جای‌جای میهن ما سر بر آورده است. بی‌گمان خواهد رسید آن روز که این ستون‌های یادبود پنهان در جان، این اندوه و شکوه پنهان در گسینه‌های همگان در مهرآباد و خاوران و اوین و تک‌تک جاهای دیگری که آخرین چشم‌انداز دیده‌های مهراندوخته و پاک‌باز آن بزرگان بودند، به جاودانگی سربرآرد.



هم‌میهنان ما در دریای بی‌کران و ژرف آسایش، آرامش، آزادی و داد، آرزوی فرارسیدن روزی که دیگر پیکار و تلاش هیچ ایرانی، و ما فداییان خلق نیز، در راه آزوها و خواست‌های نیک پیش‌گفته، بوف شوم پریهیب و بیم مرگ را به همراه نداشته باشد. سربلندی جان‌باختگان راه ناوابستگی، رفاه، پیش‌رفت،

فرادهم! بیاید امروز که روز فداییان جان‌باخته و جان‌داده خلق است، به ویژه به آنان نیز بیاندیشیم.

در روز بازآمده فداییان جان‌باخته و درگذشته خلق، باز سر در برابر بزرگی جان آسان فرود می‌آوریم. ناچار هر سال نمی‌توانیم به نام از یکایک این گرامیان نام ببریم. هر یک از ما نوسندگان و هر یک از ما خوانندگان بسیاری از این یاران را از نزدیک می‌شناختیم و بسیاری را به نام گمانه‌زنی نیست که با خواندن این چند رج و واژه چهره این گرمایی‌ترینان در گوش جان ما نام آنان پژواک سوزناک و سربلند خواهد یافت، نیش‌انده بر دل و جان ما خواهد نشست، آرزوی برآورده نشدن نیستی مرگ آنان در این و آن دل و اندیشه سر بر خواهد آورد و گنجی آگاهی آغازین از نبود آنان در یاد ما با اشک پنهان اندیشه‌مان در هم خواهد آمیخت. آرزوی نیکی برای آینده از جان ما آب هستی خواهد نوشید. آرزوی فرارسیدن روز سرفرازی مردمان و سرزمین ما، آرزوی شناور شدن میهن و

کارهایی بزرگ، روزی برای به یاد خواندن نام یارانی که شاید در دیگر روزهای سال، در دیگر گاه‌های زندگی در یاد نیستند و نمی‌توانند هم‌در یاد باشند. در پیش سخن از بزرگی و سختی گذشتن از گوهر هستی به میان آوردیم. شیوه‌های آرمانی پیکار ما و در میهن ما بی‌گمان دگرگون شده‌اند. گفتن این سخن توانایی پیش‌گویانه نمی‌خواهد که گوی خاکی ما، زمین، و هم‌راه با آن ایران ما و ما ایرانیان نیز باز هم دگرگون‌تر خواهد و خواهیم شد. باری این راستی نیز همواره به جای خواهد ماند که گذشتن از جان در راه آرمان‌های برتر، بدون چشم‌داشت پاداشی دیدنی و سودجستی، همواره کاری برجسته و ستودنی خواهد بود و خواهد ماند. این آرمان‌های برتر در سرگذشت سازمان و جنبش ما میهن‌دوستی، آزادی و داد بوده است.

بازخوانی، بازیابی، بازگویی و بازنویسی نام و یاد یاران جان‌باخته و درگذشته کوششی بسپه‌وده و خسته‌کننده و دوبارگی‌ای از سر خوگرفتگی نیست. بازماندن از زنده‌داشتن یاد گرامیان این بوم، نیز فداییان جان‌باخته خلق، کوتاهی در انجام کاری نیک و پسندیده در برابر کار و پیکار کسانی است که کار دشوار و بزرگ از خود گذشتگی را برای این مردم و خاک از دل برآورده‌اند. کار دشواری که بدون انجام آن در بسیاری تنگناهای پیشینه چندین هزار ساله این سرزمین، دیگر ایران امروز و شاید توان امروزین جنبش آزادی‌خواهی خواب دوری پیش نبود.

بیاید گرامیان! بیاید به یاد همه یارانی که در راه آرمان‌های نیک و خوب در میهن ما پیکار کرده‌اند و جان باخته‌اند یا جان داده‌اند، از نخست‌نگه اندیشه‌مان برخیزیم و سر باور فرود آریم! بیاید نام آنان را در جان‌مان بلند فریاد کنیم و به پژواکش گوش

آماج‌های پسندیده و نیک، جان باختن حبیب اشرف، رهبر بزرگ آن روزگاران سازمان و یاران او در نبردی نابرابر بیانه بزرگداشت این روز برای بزرگداشت جان باختگان سازمان و جنبش ما است. در ۸ تیر می‌توان پیرامون رویداد جهان‌گذاز سال‌های کودکی سازمان سخن گفت و ما نیز تا کنون بارها چنین کرده‌ایم. این کار تلاشی برای نوشتن سرگذشت نادرشته این سازمان و جنبش نیز است. باری سخن از ۸ تیر، تنها و پیش از هر چیز سخن گفتن از جان‌باختن حمید و دیگر یاران شادروان ما نیست. این روز، ویژه بزرگداشت یک راستی است. راستی گذشتن بی‌چشم‌داشت از گوهر هستی خود برای آزادی و داد و برای مردمان این خاک.

بررسی رویدادها و روندهای گذشته با دیدگاه‌ها، آرمان‌ها و آماج‌های امروزین تنها برای کمک به آموختن از گذشت روزگار بایسته و پسندیده است. تلاش برای یافتن راه و روش پیکار در امروز با نگاه به آینده آرمانی و آرزوکردنی است. باری پیچیدن دستور کار و پیکار برای روزگاری پیشین کوششی است نادرست.

از این کنج ۸ تیر روز بررسی اندیشگی راستی و درستی یک کار و پیکار و روند و جنبش نیست. سخنی نیست که هیچ پدیدهای در گیتی آشنای ما به کنار از بدی و زشتی نیست. باری چه خوب گفته‌اند که «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد». برای بررسی کاستی‌ها و کژی‌های سازمان و جنبش ما روز بسیار است. سود جستن از ۸ تیر برای بررسی این‌ها کوششی است نادرست و تلاشی به دور از موشکافی بایسته برای یافتن روز و جایی در خور کاری نیازین و گریزناپذیر. روز جان‌باختگان فدایی، روزی است برای یادآوری

توضیح بخش توزیع نشریه کار

بدنبال بروز اشکالاتی در ارتباط با مشترکین نشریه کار لازم دیدیم توضیحاتی را جهت رفع اشکالات پیش آمده و تسریع کار مشترکین بدهیم.

- ۱- کلیه مشترکین نشریه کار دارای شماره اشتراک (REF.Nr) می‌باشند. به هنگام تماس با بخش توزیع حتماً این شماره را جهت تسریع در انجام کارها بنویسید.
- ۲- مشترکین پس از واریز کردن حق اشتراک خود حتماً فتوکپی رسید بانکی را برایمان ارسال دارند.
- ۳- مشترکینی که حق اشتراک خود را از طریق رفقای سازمانی ارسال میدارند، حتماً آدرس کامل و شماره اشتراک خود را به رفقا بدهند.
- ۴- مشترکینی که آدرسشان تغییر کند حتماً آدرس کامل و خواناسی قدیم و جدید خود را برایمان ارسال نمایند.
- ۵- لطفاً از ارسال چک بانکی به علت هزینه بالای آن خود داری نمایید.
- ۶- دو شماره قبل از اتمام اشتراک برای مشترکین همراه نشریه نامه‌ای ارسال می‌شود. تمدید به موقع اشتراک مانع از وقفه در ارسال نشریه و ناقص شدن آرشيو مشترکین می‌شود.

بیژن آندسی

نشریه کار را از هر طریق ممکن به دست علاقمندان آن در ایران برسانید

پیرامون رویدادهای سیاسی کشور و مواضع ما

ادامه از صفحه اول

مشارکت دارد. در رو در روشی بین مشارکت و مجمع روحانیون مبارز، که در اساس رو در روشی بین گرایش رادیکال و مدرن از سوتی و گرایش محافظه کار سستی در درون جبهه دوم خرداد است. کارگزاران که قبل از انتخابات مجلس در تقابل با مشارکت قرار داشتند، در جریان انتخابات هیئت رئیسه دایم مجلس با مشارکت همسو عمل کردند و از فراقسیون تمامیت خواهان فاصله گرفتند. فراقسیون تمامیت خواهان در انتخابات هیئت رئیسه مجلس باخت و مشخص شد که قادر نیست با مانور سیاسی «اکثریت» را در مجلس به دست آورد. اینان که نتوانستند حتی یک نفر را در ترکیب هیئت رئیسه وارد کنند، اکنون در مجلس، سیاست تشدید شکاف در درون جبهه دوم خرداد را پیش می برند و در این سیاست بیش از همه روی مجمع روحانیون مبارز، به عنوان جریان «اصولگرا و معتقد به ارزش های اسلام و انقلاب»، حساب باز کرده اند. در بیرون از مجلس، اما

سیاست تمامیت خواهان و مخالفان اصلاحات همچنان بر سرکوب و ارباب استوار است. اینان در ادامه جریان کنفرانس برلین و در آستانه سالروز فاجعه دانشگاه به یورش همه جانبه علیه جنبش دانشجویی دست زده اند. دستگیری عده ای از فعالان جنبش دانشجویی، احضار عده ای دیگر از آنان به دادگاه های انقلاب توسط قوه قضائیه، کوشش برای دامن زدن به اختلافات موجود در جنبش دانشجویی و تبلیغات علیه این جنبش در مطبوعات وابسته به تمامیت خواهان، عناصر این تهاجم را تشکیل می دهند. این اقدامات برای منصرف کردن دانشجویان از برگزاری مراسم یادبود ۱۸ تیر صورت می گیرند. اما جنبش دانشجویی، که با برگزاری گردهمانی های متعدد اعتراضی، نقش بارزی در انصراف رفسنجانی از نمایندگی مجلس ایفا کرد، اینک اعلام کرده است که مراسم سالگرد یورش به کوی دانشگاه را برگزار خواهد کرد. در هفته های و ماه های گذشته

همچنین موجی از اعتصابات و اعتراضات کارگری در جامعه پدید آمد. این حرکات نشان آشکار نیاز فوری جامعه به تعمیق اصلاحات و اصلاحات عمیق در زندگی سیاسی و اقتصادی آن است. مردم خواست خود را برای پیشرفت اصلاحات بارها و به روشنی ابراز داشته و از برنامه های اصلاح طلبانه حمایت قاطع کرده اند. اکنون این مجلس است که باید به این خواست پاسخ دهد. اکثریت نمایندگان مجلس به درستی خواستار آنند که مطبوعات به عنوان اولین موضوع در دستور کار مجلس قرار گیرد. بخشی از آن ها می خواهند قانون مطبوعات مصوبه دوره قبلی را لغو کنند و بخشی خواستار حذف برخی از مواد آن هستند.

مواضع ما: کنگره ششم و نیز شورای مرکزی سازمان پیش تر، طی نامه و بیانیه های، مواضع و مطالبات ما از مجلس ششم را اعلام کرده اند. هیئت سیاسی - اجرایی بر پایه این مواضع و مطالبات،

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

یورش به جنبش دانشجویی در آستانه

سالروز حمله به کوی دانشگاه!

با نزدیک شدن سالروز فاجعه حمله شبانه به کوی دانشگاه تهران و بعد از حرکت اعتراضی دانشجویان علیه تعطیلی مطبوعات، یورش سازمان یافته ای علیه جنبش دانشجویی آغاز شده است. در رسانه های همگانی مرتباً خبر دستگیری فعالین جبهه متحد دانشجویی و اعضای شورای مرکزی اتحادیه اسلامی دانشجویان و دانش آموزان و احضار اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت به دادگاه های انقلاب انتشار می یابد. از سوی دیگر، مطبوعات وابسته به جناح اقتدارگرا برای تضعیف و انحلال تشکلهای دانشجویی، بر اختلافات موجود در بین دانشجویان دامن می زنند و مرتباً خبر از اشغال در صفوف جنبش دانشجویی می دهند.

مخالفین اصلاحات از گسترش اعتراضات دانشجویی و افزایش نقش جنبش دانشجویی در تحولات سیاسی کشور وحشت دارند. اعتراضات وسیع و سراسری دانشجویان در اردیبهشت ماه، طرح شعارهای جسورانه در گردهمانی دانشجویان در تهران و مشهد، نشان داد که جنبش دانشجویی ساکت ننشسته و در صحنه سیاسی کشور حضور فعالی دارد.

تشکلهای دانشجویی از جمله دفتر تحکیم وحدت، می خواهند مراسم سالگرد حمله وحشیانه به کوی دانشگاه را برگزار کرده و نمایشی بودن دادگاه محاکمه مهاجمین به کوی دانشگاه را افشا کنند و حمایت شان را از روزنامه ها و نشریات مستقل اعلام دارند.

سرکوبگران از هم اکنون در صدد برآمدنند که با بگری و بیندها و احضار دانشجویان به دادگاه های انقلاب، مانع گردهمانی دانشجویان شوند. اما جنبش دانشجویی مصمم است که علی رغم اقدامات سرکوبگرانه مراسم سالروز یورش وحشیانه را برگزار کرده و آن رویداد ناهنجار هم چون رویداد ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ در صفحات تاریخ ثبت کند.

ما هم صدا با نیروهای آزادیخواه کشور، یورش به جنبش دانشجویی را محکوم می کنیم و خواهان آنیم که تمام نیروهای آزادیخواه به اشکال مختلف مراسم سالروز حمله به کوی دانشگاه را وسیعاً برگزار کنند و بدین وسیله حمایت خود را از جنبش دانشجویی اعلام دارند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۵ خرداد ماه ۱۳۷۹

مجلس شورا در نخستین چالش ها

برجسته ای دارد. حتی پیام خوانندگان این روزنامه ها هم در این راستا است. آنها در این مقالات به این سوال جواب می دهند که چرا در دوره قبلی مجلس که اکثریت از جناح محافظه کار بود و نمایندگان اولویت را به مسائل اقتصادی ندادند و وقت خود را صرف تصویب قانون مطبوعات کردند که این همه مشکل آفرید. در آن زمان مطبوعات وابسته به مخالفین اصلاحات از پرداختن مجلس به قانون مطبوعات دفاع می کردند و مسائل معیشتی مردم را به فراموشی سپرده بودند. برخورد تمامیت طلبان نسبت به عملکرد مجلس ششم موجب شده است که بار دیگر مسئله تقدم و تاخر توسعه سیاسی و رشد اقتصادی در کانون مشاجرات قرار گیرد و کسانی که ثروت کشور و دسترنج زحمتکشان را در طی بیست سال به یغما برده اند، ثروت های بیکران اندوخته اند، به مدافعان

است که عکس العمل شدید غارتگران را بخواهد انگیخت و آنها با تمام قوا در مقابل طرح و تصویب آن خواهند ایستاد. مخالفین اصلاحات یک صدا و یک زبان علیه اقدامات نمایندگان برخاسته اند و مسئله وضعیت معیشتی مردم، بیکاری جوانان، تورم و بحران اقتصادی را دستاویز قرار داده اند. آنها عنوان می کنند: «مردم رفع مشکلات اقتصادی را می خواهند و جمعی از نمایندگان به اصلاح قانون مطبوعات می اندیشند». آنها می گویند که پس از همگرایی دولت و پارلمان، دیگر بهانه ای برای جبهه دوم خرداد وجود ندارد که مشکلات اقتصادی را در اولویت قرار ندهد. در این روزها، مطبوعات منتسب به جناح محافظه کار بدون استثنا، مقالات متعددی را چاپ می کنند که در آنها مسئله نوشتاری سازمان ما به جد سابقه ندارد. نظر به اینکه آقای کیوان ارجحند، ادعای دفاع از اندیشه های اصلاح طلبانه و نوشتاری ایشان مضمون نقادی دارد، فقط می توان به این مهم اشاره داشت که: فارغ از افاضاتی

ادامه از صفحه اول داد. اما اکثریت نمایندگان اصلاح طلب تسلیم فشارها نشدند و به عهد خود وفا کردند. در گام بعدی، ۱۵۱ تن از نمایندگان نامه ای به رئیس قوه قضائیه نگاشتند و نگرانی خود را از عملکرد قوه قضائیه در رابطه با مطبوعات و دستگیری ها اعلام داشتند. این نامه بازتاب اعتراضات وسیعی است که در سطح جامعه و در میان روزنامه نگاران در ارتباط با عملکرد قوه وجود دارد. نامه نمایندگان، با استقبال افکار عمومی و مخالفت مخالفین اصلاحات مواجه شد. گفته می شود نمایندگان اصلاح طلب مجلس در حال تدوین طرحی هستند که بر اساس آن اموال مسئولین حکومتی حسابرسی خواهد شد. اگر این اقدام به تحقق پیوندد، با استقبال وسیع مردم روبرو خواهد شد و گوشه ای از غارتگری ها بر ملا خواهد شد. گرچه قابل پیش بینی

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

قانون جدید مطبوعات را لغو کنید!

قوه قضائیه با تمسک به قانون جدید مطبوعات (مصوبه دوازدهم مجلس شورا) جلوی انتشار روزنامه ها و نشریات جدید را گرفته است. رئیس دادگستری تهران تعطیلی مطبوعات را قانونی می داند و در هفته های آتی می خواهد مدیران آنها را به محاکمه بکشاند.

اکنون که انتخاب هیئت رئیسه و رسیدگی به اعتبارنامه نمایندگان به اتمام رسیده است، قاعداً تا مجلس شورا وارد بررسی و رسیدگی به طرح ها و لوایح خواهد شد. خواست مردم و اصحاب مطبوعات این است که مجلس شورا اولین موضوع دستور کار خود را به مطبوعات اختصاص دهد، قانون مصوبه دوره پنجم مطبوعات را لغو کند و در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، اصلاحات ضرور را وارد کند.

بیش از ۱۰۰ نماینده مجلس در پاسخ به خواست افکار عمومی جامعه، در طرح لغو قانون جدید مطبوعات پیش قدم شده اند. این اقدام ضرور و به هنگام است و می تواند نخستین عمل شایسته مجلس اصلاح طلبانه باشد و از حمایت اکثریت مردم کشور مان و جامعه مطبوعات برخوردار شود.

ما هم صدا با نیروهای آزادیخواه کشور، از نمایندگان اصلاح طلب مجلس می خواهیم که قاطعانه و بی تزلزل لغو قانون جدید مطبوعات را در اولین دستور مجلس شورا قرار دهند و موانع موجود بر سر راه انتشار مطبوعات را بردارند و نگذارند که قوه قضائیه خودسرانه و مستبدانه مطبوعات مستقل و منتقد را به تعطیلی بکشاند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۵ خرداد ماه ۱۳۷۹

قوه قضائیه: ابزار سرکوب

ادامه از صفحه اول

مطبوعات و آزادی بیان برجسته است. مجلس تا حدودی می تواند عملکرد سرکوبگرانه قوه قضائیه را مهار کند. مطبوعات مستقل و منتقد می توانند مداوماً عملکرد این قوه را به نقد بکشند، اعتراضات مردم و نظرات حقوق دانان را منعکس کنند. در عین حال این امکان وجود دارد که نیروهای سیاسی مبارزه پیگیرانه ای را علیه عملکردهای سرکوبگرانه و قانون شکنانه قوه قضائیه پیش ببرند. در چنین صورتی قوه قضائیه تحت فشار همه جانبه قرار خواهد گرفت و تنها با اعمال فشار می توان قوه قضائیه را به جایگاه اصلی اش برگرداند. □

سیاسی به قوه قضائیه قلمداد کردند. در عین حال به نوشته روزنامه جدیدالتاسیس حیات نو، خاتمی در حمایت از مطبوعات نامه ای به شاهرودی ارسال کرده و به او تذکر قانون اساسی داده است. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز در طی نامه ای به شاهرودی، اقدامات قوه قضائیه را زیر سوال برده است. اکنون در چالش بین نیروهای اصلاح طلب و تامگرایان، قوه قضائیه و عملکرد آن، جایگاه ویژه ای کسب کرده است. لازم است در مسابزه های پیگیر و سازمان یافته این قوه را گام به گام عقب نشانند. در این ارتباط نقش مجلس شورا در تدوین قوانین در عرصه های مختلف به ویژه

برنامه های اصلاحات را به هم می ریزد، اصلاح طلبان را روانه زندان می سازد و یکشنبه دستاورد سه ساله جنبش اصلاح طلبی را به یغما می برد. نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب کشور به درستی تشخیص داده اند که باید قوه قضائیه را به عنوان سنگر محکم نیروهای مخالف اصلاحات زیر ضرب ببرند و عرصه را بر عملکرد سرکوبگرانه آن تنگ گردانند. نامه ۱۵۱ تن از نمایندگان مجلس در این عرصه جای شاخصی دارد. این اقدام بجای و بموقع بازتاب وسیعی در صحنه سیاسی کشور داشت و واکنش تند مخالفین اصلاحات را برانگیخت. آنها نامه نمایندگان را به مثابه تهاجم

دشمنی و تعمیق فواصل. سزاوار است که دوست نامهربان و البته ارجمند، آقای کیوان ارجمند که مدعی اصلاح طلبی هم هست در برخوردهای قلمی خویش در آینده، با صاحبان اندیشه های گوناگون به زبان، تربیت و فرهنگ اصلاح طلبی که از هتاکی و پرده دری و توهین و افترا و دریده گویی جدا است، دست یازد تا نوشته هایش شایستگی دریافت پاسخ و اعتنای درخور را بیابند. □

ای مانده در درون چو در خویش بنگری!

خسرو باقرپور

که فرموده اند، زبان ایشان زبان اصلاح طلبی و قلم ایشان قلم نقد و نقادی نیست. زبان اصلاح طلب زبان خردورز پرمهوی است که مسئولانه نگاه به نوسازی و اصلاح دارد و نه تخریب و ویرانی، و قلم نقد و نقادی قلمی است که عناصر تسنید در پدیده های اجتماعی را به روشنی و با راست گویی و صداقت و امید به بهسازی و بهبودی منتقدش نقش خویش می سازد و سعی در ایجاد نزدیکی و صلح و «اصلاح» دارد، نه کین توزی و

نوشتار «پندی به شرط بلاغ» و هم به بخشی از اندیشه و تفکر مجتمع در سازمان ما بود. این نوشتار چنان عرصه های عصیبت کلامی و دریده گویی را در نورددیده بود که در ادبیات نوشتاری سازمان ما به جد سابقه ندارد. نظر به اینکه آقای کیوان ارجحند، ادعای دفاع از اندیشه های اصلاح طلبانه و نوشتاری ایشان مضمون نقادی دارد، فقط می توان به این مهم اشاره داشت که: فارغ از افاضاتی

نه شکوه نه شگفتی دارد از خود درخت پوچ را آمد نسر هیچ حرس افزار شاید بیخ تر را درخت خشک را غیر از تیر هیچ در مقام پاسخ به نوشتاری با عنوان «پندی به شرط بلاغ» به خامه راقم این سطور، سیاهه بلندی با عنوان «تا از درون در آئی و در خویش بنگری» با امضای آقای کیوان ارجحند در کار شماره ۲۳۴ به چاپ رسید. نوشتاری که سرآپا مضمون نقادی سرشار از تهمت و افترا و هتک حرمت و نسبت های ناروا، هم به

جنبش دانشجویی، پیشاهنگ نهضت اصلاح طلبی

دانشجویان ایران در صف مقدم

جنبش های رادیکال

اکونومیست ۲۴ ژوئن

ترجمه: صبا انصاری

دانشجویی و نیز آزادی فعالیت گروه های دانشجویی با گرایش های سیاسی مختلف، به رسمیت شناخته شود.

دیگر نقطه ضعف عمده جنبش دانشجویی، ریشه در گسست تاریخی ایجاد شده میان آن و سنت مبارزات سیاسی آزادی خواهانه. عدالت پوهانه در مین ما دارد. پیش از این گسست تاریخی، جنبش دانشجویی بنا به روحیات خود، تمایلی عمومی به جنبش عدالت خواهانه چپ و رادیکال در ایران داشت. اکنون نیز

موسوم به «پروژه محرم» در بهار ۷۸، با مقاومت جانانه دانشجویان روبرو شد و وقتی به توقف روزنامه سلام انجامید، خیزش بی سابقه ۱۸ تیر را برانگیخت.

هر چند جنبش دانشجویی از یک سال پیش تاکنون، آماج دستگیری ها و سرکوب گسترده بوده است، اما محافظه کاران نتوانسته اند از دامنه تأثیر این جنبش بر کل روند اصلاحات بکاهد. هنوز اول مهر که فرا می رسد، محاسبه های سیاسی دگرگون می شود و عامل «واکنش



دانشجویان نسبت به سایر اقشار اجتماعی، تمایل بیشتری به رادیکالیسم از خود نشان می دهند، اما آنچه تضعیف شده است، پیوند میان جنبش دانشجویی با خواست ها و منافع اکثریت زحمتکش مردم است.

بی شک جنبش دانشجویی حاضر، تنها نقاط قوت ندارد. مهم ترین نقطه ضعف این جنبش، نبود شکل های علنی مستقل از حکومت است. دفتر تحکیم وحدت، اولاً نماینده همه دانشجویان نیست و ثانیاً از تناقض میان موضع توده دانشجویان از یک سو، و موضع بخشی از رهبری آن که خود را با جناح اصلاح طلب حکومت هماهنگ می کند، رنج می برد. سازمان ما در مصیبات کنگره اخیر خود، خواهان آن شد که حق دانشجویان در برگزاری انتخابات آزاد شوراهای

دانشجویان می خواهند که خود را از «بازی های سیاسی» کنار بکشند.

تا سال ها، مشی کنار نگه داشتن دانشجویان از سیاست، موفق بود. سایه سنگین سرکوب و تصفیه و اعدام هزاران دانشجو بر مؤسسات آموزش عالی سنگینی می کرد. اما به محض اینکه تعویض نسل های دانشجویان، سرکوب خشن دهه ۶۰ را از حافظه بلاواسطه جنبش دانشجویی پاک کرد، فعالیت سیاسی به محیط دانشگاه ها باز گشت. در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی، تنها محیطی که در آن نسبتاً به صراحت از حکومت انتقاد می شد، محیط دانشگاهی بود. بر این زمینه است که می توان مشارکت فعال دانشجویان را در فعالیت انتخاباتی علیه ناطق نوری نامزد جناح مسلط حکومت برای ریاست جمهوری را توضیح داد.

از دوم خرداد به بعد، جنبش دانشجویی وارد مرحله نویی از فعالیت خود شد. در سه سال اخیر، محیط دانشگاه های دولتی (دانشگاه آزاد به علت حاکم بودن مشی سانسور و سرکوب، در این زمینه عقب تر است) بسیار سیاسی شده است. جایی که برخی از سایر نیروهای اصلاح طلب پس می کشند و محافظه کاری پیشه می کنند، این جنبش دانشجویی است که به میدان می آید. در اسفند ۷۶، این دانشجویان بودند که علیه نظارت استصوابی شورای نگهبان تظاهرات کردند و «قداست» این شورای منتخب رهبری را شکستند. در پاییز ۷۷، دانشجویان از فعال ترین شرکت کنندگان در مراسم بزرگداشت و تشییع جنازه قربانیان قتل های زنجیری بودند. در پایان همان سال، صحنه انتخابات شوراها نیز مانند انتخابات ریاست جمهوری، شاهد حضور فعال دانشجویان بود. و بالاخره کودتای ناقص

تا سال ها پس از تصفیه خونین دانشگاه ها از اردیبهشت ۱۳۵۹ به بعد، کسی حدس نمی زد که جنبش دانشجویی ایران بتواند به این زودی ها جایگاه خود را در مبارزه مردم ایران برای آزادی باز یابد. سه سالی که از دوم خرداد می گذرد نشان داد که جنبش دانشجویی، بار دیگر پیشاهنگ نهضت مردمی شده است و این بار، یکی از ارکان اصلی مبارزات اصلاح طلبانه را تشکیل می دهد.

هستند کسانی که می گویند زمانی که احزاب آزاد، وظیفه سازماندهی مستقل اراده سیاسی مردم و مطبوعات آزاد، وظیفه اطلاع رسانی و نقد را بر عهده گیرند، جنبش دانشجویی می تواند به مسائل صنفی خود اکتفا کند و سیاست عمومی را به سیاستمداران بسپارد.

جنبش دانشجویی از دو جهت نقشی ویژه بر عهده دارد. نخست آنکه فعال ترین بخش نیروی اندیشمند جامعه است و دوم اینکه متعلق به نسل جوان است، نسل که می رود که آتیه جامعه را رقم بزند. در هر جامعه ای، نسل های قدیمی تر بیشتر به حفظ آنچه هست تمایل دارند، و این نسل های جوان ترند که پرچم تحول را بر دوش می کشند. هر جامعه ای را که در آن سیاست، صرفاً به سیاستمداران حرفه ای و رهبران احزاب سپرده شود، خطر رکود و انجماد آن را تهدید می کند. دانشجویان، این خصوصیت را دارند که هم فارغ از تعلقات و محافظه کاری نسل های مسن ترند و هم به اعتبار بهره مند شدن از تحصیلات، به قدرت و تعقل و تفکر و مطالعه درباره مسائل سیاسی و اجتماعی دست می یابند. خواستن از چنین نیرویی که در سیاست دخالت نکند، به معنای محروم کردن جامعه از یک محرک اصلی تحول و توسعه است. بیهوده نیست که رهبری جمهوری اسلامی و جناح محافظه کار از

کامپیوتر از سر و کول هم بالا می روند و خبرهای مهم را از دانشگاه های سراسر کشور برای درج در صفحه می کشند. ایستا در اینترنت بیرون دفتر در اقصی نقاط کشور دارد که با مرکز در تهران در تماس هستند. امیر محمد اسلامی ۲۴ ساله، دبیر سیاسی ایستا، می گوید: «اخبار مربوط به دانشگاه ها اغلب غیر بی طرفانه و تحریف شده است. لذا ما تصمیم گرفتیم که باید خبرگزاری خود را ایجاد کنیم».

رسالت آنان تامین آزادی بیان - البته همراه با محدودیت های خود است. تامین مالی ایستا بر عهده یک نهاد دولتی بنام شورای انقلاب فرهنگی است. اگرچه اعضای این نهاد شامل اصلاح طلبان از جمله آقای خاتمی است، با این حال ایستا هنوز در معرض نوعی سانسور دولتی است. آقای اسلامی می گوید که آنها احتیاط زیادی به خرج می دهند تا از بسته شدن ایستا جلوگیری کنند و به سرنوشت روزنامه های اصلاح طلب، که در بهار تعطیل شدند، دچار نشوند. او می گوید: «ما سعی می کنیم در رابطه با هیچ کس خلاف نکنیم» و می افزاید «اصلاحات باید با گام های تدریجی پیش رود».

شعار دانشجویان: «آزادی اندیشه با ریش و پشم نمی شه»

است که یکی از اعضای آنها توسط دادگاه انقلاب مورد بازپرسی قرار گرفته و سئوالات به «تفتیش» ایمان و عقاید دانشجویان مربوط می شده است. بسیاری از اعضای بزرگ ترین گروه دانشجویی به نام دفتر تحکیم وحدت به دادگاه های انقلاب احضار شده اند. علی افشاری، یکی از رهبران این گروه بعد از شرکت در کنفرانسی در آلمان در ماه آپریل بازداشت گردیده است. او به تهدید امنیت ملی متهم شده و تا چهل روز از دیدار با وکیلش محروم بوده است.

ماه آینده، سالگرد اعتراضات دانشجویی به طرفداری از دمکراسی است. تظاهراتی که در تابستان گذشته رخ داد و منجر به بروز خشمونت در خیابان های تهران و دستگیری رهبران دانشجویی گردید. به نظر می رسد که رهبران دانشجویان، اندرز مسن ترها مبنی بر اجتناب از اقدامات تحریک آمیز را مورد توجه قرار داده و گردهم آئی های خود را برای بزرگداشت این روز را در محوطه دانشگاه ها برگزار می کنند.

دانشجویان هم چنین در جستجوی مفرهای دیگری هم هستند. روزنامه های خبری اینترنتی، مربوط به خبرگزاری دانشجویان ایران (ایستا)، از نمونه های جالب این مفرهاست. در یک ساختمان نزدیک دانشگاه تهران، دختران و پسران دانشجو دور چنند

در نیم قرن گذشته دانشجویان ایران در صف مقدم جنبش های رادیکال بوده اند. در گذشته آنها علیه امپریالیسم غرب و همدستان داخلی آنها مبارزه می کردند. اکنون یکبار دیگر برای ایجاد تغییر تلاش می کنند و به همین خاطر هم تشبیه می شوند. این بار دشمن آنها درونی است. در سراسر کشور، دانشجویان بخاطر تظاهرات برای آزادی بیشتر بدون سر و صدا بازداشت می شوند. آخرین مورد تهاجم در اواخر ماه گذشته وقتی روی داد که دانشجویان گردهمائی هائی را به منظور سومین سالگرد پیروزی رئیس جمهور، خاتمی، برگزار کردند. جرم آنها شعار دادن، یعنی نوعی اعتراض بی ضرر - ولی دارای خطر مجازات فوری در ایران - بود.

در روزهای ۶ و ۷ ژوئن در شهر مشهد، به دنبال سخنرانی آقای خاتمی، شمار بسیاری از مردم که به طرفداری از دمکراسی در یک گردهمائی شرکت کرده بودند، بازداشت شدند. شعارهای آنها علیه روحانیون محافظه کار صاحب قدرت بود: «آزادی اندیشه نمی تواند توسط کسانی تحقق یابد که ریش بلند می گذارند». در بین بازداشت شدگان دو نفر عضو انجمن اسلامی دانشجویان بودند.

جبهه متحد دانشجویی، که فراگیرنده گروه های مختلف دانشجویی است، اعلام کرده

دشوار ایدئولوژیک هم هست چرا که تعریف صحیح واحدی از آزادی که بتواند ایدئولوژی ها را با آن سنجید، وجود ندارد. دقیقاً همین نوع تناقض هاست که سبب شده برخی متفکران، درک کلاسیک از مفهوم ایدئولوژی را که تا اینجا فکرمان را روی آن متمرکز کرده ایم، دور بیندازند. پیش از کاوش بیشتر در این باره، جا دارد بعضی مشخصات مفهوم کلاسیک را با تفصیل بیشتری مشخص کنیم. در وهله نخست شاید عجیب به نظر برسد، اما می توانیم این کار را با بحث در این امکان که «عصر ایدئولوژی» پایان یافته است، انجام دهیم. همچنان که در پایان فصل سوسیالیسم مطرح می شود، اغلب خود این ادعا که یک مجموعه عقیده «مردد» است، سئوالاتی جالب پیش می آورد.

برگرفته از کتاب «ایدئولوژی های سیاسی»

که بر سر مفهوم آزادی، مثلاً میان محافظه کاران و سوسیالیست ها، می شود، آشنا هستیم؛ آزادی از قید و بند دولت در چهارچوب بازار آزاد، در مقابل آزادی تحقق ظرفیت های خلاق خویش در محیطی مبتنی بر کار دسته جمعی. این یکی از موارد اصلی سیاست حزبی در بریتانیاست. مثلاً آیا مالیات نقض آزادی های فردی است از این نظر که مخل حق فرد به خرج کردن پولش به شیوه دلخواه است؟ یا مالیات شکل مهمی از توزیع ثروت است که به مردم امکان می دهد توانائی شان به عنوان انسان های آزاد و برابر را تحقق بخشند؟

این نشان می دهد ایدئولوژی ها چگونه می کوشند شماری محدود از مفاهیم را که بر سر آنها رقابت و مبارزه جریان دارد، صاحب شوند. این سرمشا میاقت در نهایت

اساساً مساوی اند یا در جنبه های مهمی با هم اختلاف دارند. در برگزیده دو موضع آشستی ناپذیر است. هر اندازه تلاش کنیم این دو موضع را آشتی دهیم، همیشه این احتمال وجود دارد که یک طرف به طرف دیگر برچسب ایدئولوژیک بودن بزند. به گفته بودن، «چیزی که برای یک نفر معرفت است نزد فرد دیگر ایدئولوژی به حساب می آید، و بالعکس».

بدین قرار، خود برخورد مارکس و انگلس به ایدئولوژی را می توان تفاوت های عمیق ایدئولوژی این دو دیدگاه در مناظره های سیاسی آشناست و می توان آن را در صحنه سیاست جهانی و تا حد کمتری، در پارلمان مجلس عوام دید. هر دو طرف فکر می کنند حق با خودشان است و طرف دیگر است که اشتباه می کند. این یکی از جنبه های مباحث درون گروهی در هر ایدئولوژی های سیاسی هم هست. ریک ویلفورد، در فصل مربوط به فمینیسم نشان خواهد داد «بحران هویت» در اندیشه فمینیستی، ناشی از این بحث که آیا زنان و مردان

ابلینگ استدلال می کند که «جمع گرانی» در حیطه امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی «تخیل» خطرناکی است و نتیجه می گیرد که تنها «راه حل جانشین معقول سیاسی - اقتصادی» در مقابل آن، جامعه لیبرال مبتنی بر بازار آزاد است.

تفاوت های عمیق ایدئولوژی این دو دیدگاه در مناظره های سیاسی آشناست و می توان آن را در صحنه سیاست جهانی و تا حد کمتری، در پارلمان مجلس عوام دید. هر دو طرف فکر می کنند حق با خودشان است و طرف دیگر است که اشتباه می کند. این یکی از جنبه های مباحث درون گروهی در هر ایدئولوژی های سیاسی هم هست. ریک ویلفورد، در فصل مربوط به فمینیسم نشان خواهد داد «بحران هویت» در اندیشه فمینیستی، ناشی از این بحث که آیا زنان و مردان

چه چیزی به مارکس و انگلس امکان دستیابی به حقیقتی را می دهد که اکثریت آلوده به شایبه های ایدئولوژیک از آن محروم است؟

به گفته ایگلتنون، «نقد ایدئولوژی... در عین حال نقد نقد ایدئولوژی هم هست.» با دو مثال جدید می توان این تناقض را بازتر کرد. مشاوروس، در حمله ای سنگین بر لیبرالیسم بازار آزاد ادعا می کند جان مینارکینز، که به نظر او یکی از مدافعان اصلی آن است (گرچه خود این قابل بحث است)، «دست به موضع گیری ایدئولوژیک بسیار رزمجویانه ای علیه همه چیز زد». مشاوروس با مثال های متعدد نشان می دهد که این موضع ایدئولوژیک در دفاع از بسورژوازی صنعتی، «مشخصه غیر واقعی بودن تشخیص «علمی» کینزی است». در مقابل، ریچارد

پیشین در باب علم پیدایش عقاید (دوتراسمی) را با انگشت گذاشتن بر عقاید کاذب (نابلتون) ترکیب کردند. علاوه بر این، نظریه آنها بر پایه این استدلال که منبع واقعی عقاید کاذب در «روند زندگی عملی» انسان هاست، تلویحاً می گفت تنها با اقدام انقلابی در جهان واقعی می توان عقاید کاذب را برانداخت. آنها می گفتند فائق آمدن بر تناقضات واقعی در ساختار بقاتی جامعه سرانجام منجر به ورود درک راستین در آگاهی خواهد شد. جامعه بی طبقه عاری از ایدئولوژی خواهد بود.

اما این دیدگاه از ایدئولوژی، بی درنگ مسائلی را مطرح می کند. اگر ادعا می شود که شرایط اجتماعی از طریق تضاد طبقاتی ایجاد عقاید کاذب می کند، چگونه ممکن است بدانیم که خود این حرف زائیده همان تضادها نیست؟

عرصه ایدئولوژی

ادامه در صفحه ۱۰

ایدئولوژیک جامعه، حذف تناقضات منافع مشخص طبقاتی است که ذاتاً در حیطه اقتصادی و اجتماعی وجود دارد. به گفته استوان مشاوروس، مستنقد مارکسیست، «در جوامع طبقاتی نمی توان بر ایدئولوژی غلبه کرد». و استدلال نظری به تنهایی نمی تواند مسئله ایدئولوژی را حل کند. البته در باره پیچیدگی های نظریه مارکس و انگلس حرف های بسیاری می توان زد. نکته مهم این است که مارکس و انگلس در بنیاد نهادن نظریه ای پیرامون ایدئولوژی بر شرایط اجتماعی و تاریخی، تصور

تشکیل سینیار «مسئله کرد»

در مجلس ملی فرانسه از طرف حزب سبزها

از طرف خانم ماری هلن اوبرت، نماینده حزب سبزها در مجلس ملی فرانسه و عضو کمیسیون امور خارجه مجلس ملی و آقای نونل مامر نماینده پارلمان و از رهبران حزب سبزها، در روز ۳۱ ماه می ۲۰۰۰ سینیاری در مورد مسایل کردها برگزار گردید.

برگزارکنندگان طی اطلاعیه‌ای که به مناسبت برگزاری این سینیار منتشر کرده بودند، علل تشکیل این سینیار را چنین بیان نمودند: «بیش از دو سال است که با نمایندگان مجعی بنام مجمع هماهنگ‌کننده پشتیبانی از خلق کرد (مرکب از اجنجهای ترکیه، اعم از کردستان ترکیه، ایمران، عسراق و سوریه و نیز شماری از سازمانهای غیر دولتی و مدنی فرانسه) ارتباط و دیدارهای مرتب داریم. بنا به درخواست نمایندگان این مجمع و بعلت اهمیت مسئله کرد در خاورمیانه، ما در روز ۳۱ ماه می ۲۰۰۰، در مجلس ملی فرانسه، سینیاری تحت عنوان: کردها در ترکیه، ایران، عراق و سوریه: واقعیتها و چشم‌اندازها برگزار می‌کنیم. این سینیار ما را در درک بهتر وضعیت مردمی با بیش از ۲۵ میلیون جمعیت یاری خواهد کرد و به ما امکان خواهد داد تا فکرهایمان را روی هم بریزیم و بطور جمعی برای حل مسئله کرد در یافتن راه‌حل بکوشیم.

سینیار با بیاناتی از طرف آقای هانری اماتولی نماینده پارلمان، رئیس فعلی کمیسیون ملی پارلمان فرانسه و رئیس اسبق این پارلمان و دبیر کل اسبق حزب سوسیالیست فرانسه آغاز گردید. وی ضمن ابراز خوشحالی از تشکیل چنین سینیاری گفت: کردها هم مثل همه خلقهای جهان حق دارند زبان، تاریخ و فرهنگ خود را حفظ کنند و از یک زندگی شرافتمندانه برخوردار گردند. در قرن گذشته، تاریخ خلق کرد مسلو از درد و رنج، ویرانی و کشتار می‌باشد. ستمی که طی این مدت بر این ملت رفته و امروز همچنان ادامه دارد، نمی‌تواند وجدانهای بیدار و عدالتخواه را رنج ندهد. انسانهای با وجدان و طرفدار حق و عدالت و آزادی نمی‌توانند نسبت به سرنوشت غم‌انگیز این خلق بی تفاوت باشند. وی سپس با اشاره به آقای مهدی زانا، شخصیت کرد و شهردار اسبق دیاربکر (ترکیه) گفت در بین شما و در همین تالار کسی حضور دارد که سالها زندان کشیده تنها به این خاطر که به زبان خودش یعنی زبان کردی حرف زده است. وی در این مورد ادامه داد و گفت: چگونه می‌توان از حقوق بشر، از عدالت طرفداری کرد و یک چنین بیعدالتی را تحمل نمود. بلی چنین ظلمی غیر قابل تحمل است.

سپس خانم دانیل میتران ضمن گرامی‌داشت خاطر زنده یاد دکتر قاسملو گفت: یکبار دیگر در مجلس ملی فرانسه گرد هم آمده‌ایم تا از کردها حرف بزنیم. سال گذشته در همین پارلمان گرد آمده بودیم تا سالروز شهادت رهبر کرد، دکتر عبدالرحمان قاسملو، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران را که در سال ۱۹۸۹ در وین بدست تروریستهای جمهوری اسلامی بر روی میز مذاکره به شهادت رسید گرامی بداریم و از دولت اطیشریس بخواهیم تا از سربوشت‌گذشتن بر این جنایت دست بردارد و اجرای عدالت را پیشه سازد. خانم میتران در ادامه صحبت‌هایشان پیرامون سرکوب کردها در بخشهای مختلف کردستان گفت: فرانسوی‌ها و اروپائیان دیگر اگر واقعا خواستار صلح در این منطقه حساس و استراتژیک هستند، باید به تحقق حقوق مردم کرد، اعم از حقوق فرهنگی، سیاسی و مدنی یاری رسانند و از آن پشتیبانی کنند.

سپس سینیار در چهار بخش به شرح زیر آغاز به کار کرد. بخش اول: کردها در قوانین اساسی فعلی کشورهای مربوطه بخش دوم: حقوق بشر، آزادی بیان، حقوق فرهنگی و زبان بخش سوم: اهمیت و نقش جامعه مدنی در کردستان بخش چهارم: چشم‌اندازها و راه‌حلهای خودمختاری، فدرالیسم یا استقلال؟ در هر بخش از سینیار چندین سخنران از

مناطق مختلف کردستان و از احزاب و سازمانهای دمکراتیک فرانسه سخنرانی کردند. در بخش اول، از ایران آقای دکتر گلرادر مرادی، محقق از کردستان ایران که ضمن اشاره به قانون اساسی مشروطه و متمم آن در رابطه با مسئله ملیتیا در ایران به بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی در رابطه با مسئله ملی در ایران پرداخت. در بخش چهارم سینیار آقای مصطفی هجری، جانشین دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران سخنرانی کردند. ایشان در بخشی از سخنان خود ضمن اشاره به وضعیت نامناسب کردها در منطقه خاورمیانه گفتند: «تجزیه سرزمین کردستان علی‌رغم خواست مردم آن و ستمهایی که بر آن رفته است، در نگاه اولیه این تصور را به ذهن متبادر می‌کند که تشکیل حکومت مستقل کرد در هر بخش از کردستان، و یا الحاق هر چهار بخش آن به یکدیگر و تاسیس حکومت واحد بمنظور رهایی ملت کرد از چنگال دیکتاتوری تنها راه چاره باشد. بویژه که حق تعیین سرنوشت ملل (که در خواست استقلال نیز یکی از اشکال حق تعیین سرنوشت است) توسط سازمان ملل متحد نیز برسیست شناخته شده است. ولی مجموعه‌ای از موانع مهم داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی سد راه دسترسی کردها به این خواسته هستند.»

آقای هجری در بخش موانع داخلی و منطقه‌ای استقلال کردستان گفتند: «حکومتیهای حاکم بر کردستان حکومتیهای بوده‌اند که با معیارهای دمکراتیک، رعایت حقوق بشر، احترام به حقوق قومیتها و اقلیتها بکلی بیگانه‌اند. آنان هر نوع حقوق یکسان طلب و آزادخواهی ملل تحت تسلط خود، از جمله ملت کرد را به بیانه‌های واهی تجزیه‌طلبی و جز آن، به شکل وحشیانه‌ای سرکوب می‌کنند. آقای هجری در قسمت دیگر از سخنان خود با اشاره به استفاده کشورهای غرب و آمریکا از مسئله کرد به نفع خودشان اضافه کردند: «موانع ژئوپولیتیکی کردستان و قرار گرفتن آن در نقطه‌ای حساس از خاورمیانه که خود از مناطق حساس جهان بشمار می‌رود، موجب شده است که سرنوشت مردم کرد، در گذشته به علت رقابتیهای اتحاد شوروی و غرب در منطقه، و در زمان حاضر به علت کوشش غرب بمنظور جلب منافع خود در منطقه، همواره مورد بازیچه قرار گیرد. در پیش گرفتن این نوع رفتار از سوی غربیها نه تنها موجب تقویت و حمایت مبارزات مردم کرد نشده است، بلکه همواره مخربترین تکنیک‌های غرب در خدمت سرکوب ملت کرد قرار گرفته است.»

آقای هجری ضمن تقدیر از اقدامات انترناسیونال سوسیالیست در دفاع از حقوق کردها و تشکر از نمایندگان حزب سبزها در برگزاری این سینیار خاطر نشان کردند که «به دلایلی که ذکر شد و بسیاری دلایل دیگر که در اینجا فرصت بازشماری آنها نیست، چنین بنظر می‌رسد مناسبترین شکل ممکن از تحقق خواستهای مردم کرد، در همان چهارچوب مرزهای کشورهایی است که کردستان در میان آنها تقسیم شده است، یعنی اداره این مناطق به شکل فدرال یا خودمختاری. این سیستمیهای حکومتی و بویژه برای کشور کثیرالمللی‌های همچون ایران، که جمعیت آن را ملل و اقوام بزرگ و تاریخی متعددی تشکیل می‌دهند از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا از طرفی تمرکز قدرت در یک مرکز را معمولاً موجب تقویت و استحکام حکومتیهای خودکامه است تضعیف و تقسیم قدرت در کشور را پایه ریزی می‌کند که خود اساس دمکراسی در کشور را تشکیل می‌دهد. از طرف دیگر ملیتیهایی مختلف هر یک از این مناطق خودمختار یا فدرال، از جمله کردها، از حالت ملتیهایی درجه دوم کشور خارج شده و با دلگرمی و آرامش خاطر کامل در اداره مناطق تحت حاکمیت خود شرکت و فعالیت می‌نمایند. این امر بر خلاف تصور برخی از حکومتیهای حاکم بر کردستان نه تنها موجب تجزیه کشور نخواهد شد بلکه موجبات اتحاد دلاطلبانه ملیتیهایی ساکن این کشورها را بیشتر برای ملت خواهد کرد.»

انتشار نشریه هفتگی «تیشک» در کردستان

هفته‌نامه فرهنگی، هنری، اجتماعی تیشک به مدیر مسئولی کیان جهانی، زیر نظر هیات تحریریه در میوان کردستان منتشر می‌شود. هفته‌نامه تیشک به دو زبان کردی و فارسی انتشار می‌یابد. نشریه تیشک علاوه بر پرداختن به گزارشات، اخبار و مسایل مختص کردستان به بحثهای عمومی مطرح در سراسر کشور نیز می‌پردازد.

همچنین در کردستان ایران نشریات متعدد منطقه‌ای از جمله سیروان، اخبار کردستان، زریبار، ژویوار، منتشر می‌شوند. در شماره سوم نشریه تیشک طرح برنامه‌ای با عنوان «بسوی حل مشکل اقلیتها» چاپ شده است که ما برای اطلاع خوانندگان گرامی کار اقدام به چاپ آن می‌نماییم. تاگامی باشد در انعکاس مباحث و نظرات نیروهای مناطق ملی ایران.

بسوی حل مشکل اقلیتها

۱- به رسمیت شناختن اقلیتها. ۲- استماع نظرها و آرای اقلیتها از سوی دولت. ۳- برخورداری از حداقل درآمد و ثروت (در بسیاری موارد اقلیتها به هنگام مطالبه آنچه حقوق خویش می‌پندارند، با سرکوب دولت‌ها مواجه می‌شوند). ۴- تسویق گروه‌های جامعه به تبادل فرهنگی با یکدیگر. ۵- محدود نکردن اعتقادات شخصی مادام که در چهارچوب نظام و قانون است و در معتقدات دیگران دخالتی ندارد. ۶- توجه به دادخواهی اقلیتها در محاکم. ۷- دادگاهها و هیئت‌های قضایی باید احکام خود را عادلانه صادرکنند تا اعتماد و اطمینان در جامعه حکمفرما شود.

۱- منع تجاوز به حریم فرهنگ و اعتقادات و ارزش‌های اقلیتها. ۲- تشویق گروه‌های جامعه به تبادل فرهنگی با یکدیگر. ۳- محدود نکردن اعتقادات شخصی مادام که در چهارچوب نظام و قانون است و در معتقدات دیگران دخالتی ندارد. ۴- توجه به دادخواهی اقلیتها در محاکم. ۵- دادگاهها و هیئت‌های قضایی باید احکام خود را عادلانه صادرکنند تا اعتماد و اطمینان در جامعه حکمفرما شود. طبیعی است که منطق و هماهنگ شدن با جامعه به طور کامل مدت زمانی طول خواهد کشید که آن هم به کنش و واکنش میان هیئت‌های حاکمه و اقلیتها بستگی دارد.

۱- فراهم کردن فرصت‌های یکسان در آموزش دولتی و آموزش حرفه‌ای. ۲- ایجاد امکان استخدام برای همه گروه‌ها. ۳- استخدام بر اساس مهارت‌ها باشد نه بر اساس خویشاوندی و دوستی یا آزار دیگران. ۴- تعیین کردن حداقلی برای اقلیتها در پست‌های خالی بر اساس مهارت آنان، در این زمینه باید نسبت به اقلیتها در کل جامعه در نظر گرفته شود. ۵- تشکیل یک دادگاه ویژه برای رسیدگی به شکایات اقلیت‌هایی که از استخدام محروم شده‌اند یا در معرض تبعیض قرار گرفته‌اند. ۶- تشکیل صندوق تعاون برای اقلیتها و راه‌اندازی صنایع جدید در محل سکونت اقلیتها. ۷- آموزش حرفه‌ای باید شامل همه صنایع باشد نه آن که منحصر به حرفه‌هایی باشد که مردمان کستر از سایر حرفه‌هاست. ۸- ایجاد تسهیلات لازم در زمینه نظام مالیاتی در مورد اقلیتها و بهره‌گیری آنان از نظام پاداش در کلیه زمینه‌های استخدامی.

۱- لغو تمام تبعیض‌ها. ۲- آماده کردن مردم به همکاری با یکدیگر که منجر به همبستگی و نزدیکی آنها می‌شود. ۳- برقراری تساوی اجتماعی بویژه در مورد آموزش و استخدام و خدمات عمومی. ۴- استفاده از نظام غیرمتمرکز در کلیه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی. ۵- شرکت دادن تمام گروه‌های جامعه از

در این مبحث هدف ما بررسی چگونگی حل مشکل تمام اقلیتها است. گرچه ممکن است مشکلات و آرمان‌های این اقلیتها در همه جا یکسان نباشد اما می‌توان قدر مشترکی برای آنها پیدا کرد که شایسته توجه باشد: ۱- به رسمیت شناختن اقلیتها. ۲- استماع نظرها و آرای اقلیتها از سوی دولت. ۳- برخورداری از حداقل درآمد و ثروت (در بسیاری موارد اقلیتها به هنگام مطالبه آنچه حقوق خویش می‌پندارند، با سرکوب دولت‌ها مواجه می‌شوند). ۴- تسویق گروه‌های جامعه به تبادل فرهنگی با یکدیگر. ۵- محدود نکردن اعتقادات شخصی مادام که در چهارچوب نظام و قانون است و در معتقدات دیگران دخالتی ندارد. ۶- توجه به دادخواهی اقلیتها در محاکم. ۷- دادگاهها و هیئت‌های قضایی باید احکام خود را عادلانه صادرکنند تا اعتماد و اطمینان در جامعه حکمفرما شود.

۱- منع تجاوز به حریم فرهنگ و اعتقادات و ارزش‌های اقلیتها. ۲- تشویق گروه‌های جامعه به تبادل فرهنگی با یکدیگر. ۳- محدود نکردن اعتقادات شخصی مادام که در چهارچوب نظام و قانون است و در معتقدات دیگران دخالتی ندارد. ۴- توجه به دادخواهی اقلیتها در محاکم. ۵- دادگاهها و هیئت‌های قضایی باید احکام خود را عادلانه صادرکنند تا اعتماد و اطمینان در جامعه حکمفرما شود. طبیعی است که منطق و هماهنگ شدن با جامعه به طور کامل مدت زمانی طول خواهد کشید که آن هم به کنش و واکنش میان هیئت‌های حاکمه و اقلیتها بستگی دارد.

۱- لغو تمام تبعیض‌ها. ۲- آماده کردن مردم به همکاری با یکدیگر که منجر به همبستگی و نزدیکی آنها می‌شود. ۳- برقراری تساوی اجتماعی بویژه در مورد آموزش و استخدام و خدمات عمومی. ۴- استفاده از نظام غیرمتمرکز در کلیه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی. ۵- شرکت دادن تمام گروه‌های جامعه از

اطلاعیه

ایجاد «کمیته همبستگی با ملل تحت ستم ملی ایران» - واحد گوتنبرگ و حومه «بر حول اهداف ذیل به توافق رسیدیم: ۱- مبارزه در راه رفع ستم ملی در بین ملیت‌های ساکن ایران (ترک آذری، عرب، ترکمن، بلوچ، ...). ۲- دفاع از اهداف جهانی حقوق بشر در رابطه با حقوق ملل در ایران. ۳- دفاع بی‌قید و شرط از دمکراسی و آزادی‌های تضییق‌شده ملل ساکن ایران. کمیته همبستگی با ملل تحت ستم ملی در ایران وظایف نمایندگان را بر دو محور اساسی قرار داد. الف - موضع‌گیری پیرامون مسائل ملی در

اطلاعیه زیر از طرف «کمیته همبستگی با ملل تحت ستم ایران» گوتنبرگ و حومه، برای درج در نشریه کار ارسال شده است که در زیر به اطلاع خوانندگان میرسد. اعلام موجودیت: کمیته همبستگی با ملل تحت ستم ملی در ایران - گوتنبرگ و حومه هموطنان عزیز! ما نمایندگان تشکلهای ذیل - کمیته فرهنگی بلوچستان - سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن - سوند - جنبش دمکراتیک احواز - سوند و نروژ - کمیته دفاع از حقوق ملی خلق کرد - فدراسیون آذربایجانیان در سوند - واحد گوتنبرگ - بعد از نشستها و گفتگوهای متعدد برای

تحولات اجتماعی، فکری - فرهنگی بعد از انقلاب بهمن

مهندسی تدریجی با چشم انداز

متن اصلی سخنرانی مجید عبدالرحیم پور در کنفرانس «ایران در قرن بیست و یکم»

با عنوان نقش و برنامه اپوزیسیون در امروز و آینده ایران»

علاقه بیشتر به مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی را بر موضوع افزایش باسوادی در میان زنان کشور اضافه کنیم، اهمیت دگرگونی در ساختار اجتماعی به لحاظ جنسی نیز، آشکارتر خواهد شد. جامعه ما با یک شکاف مواجه است که موجب تحرک اجتماعی جدید و تقابل با راهکارهای سنتی و فقهانی شده است.

۷- افزایش تعداد عزد و حقوق بگیران

یکی دیگر از تغییراتی که در ۲۰ سال گذشته به وقوع پیوسته است، افزایش جهشی مزدبگیران و حقوق بگیران به ویژه مزد و حقوق بگیران دولتی است. من فقط به بخش کوچکی از آن اشاره می‌کنم. شمار مزد و حقوق بگیران بخش دولتی در فاصله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ از حدود یک میلیون و شصت هزار نفر به حدود سه و نیم میلیون رسیده است، ... گرچه مزد و حقوق بگیران دولتی، در سازمان‌های صنعتی خود مشکل نیستند، ولی در پرتو تحصیلات بیشتر، از آگاهی بالای طبقاتی و اجتماعی برخوردارند و واکنش‌های جمعی معینی در برابر مسائل، از خود بروز می‌دهند... این نیرو به شدت می‌خواهد در حیات سیاسی جامعه و تصمیم‌های کلان کشوری مشارکت داشته باشد. این نیرو همین امروز نیز علی‌رغم غیردمکراتیک بودن نهادهای دولتی، تصمیم‌های آنها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

۸- توزیع ناعادلانه درآمد
اگر در کنار موارد بر شمرده فوق، به توزیع ناعادلانه درآمد و تأثیرات آن بر تحولات و تحرکات اجتماعی نیز اشاره کنیم، ابعاد نارضایتی‌ها و تأثیرات آنها در تحولات سیاسی کشور روشن‌تر می‌شود. ... سهم بیست درصد خانوارهای کشور از درآمد ملی، تقریباً برابر با سهم هشتاد درصد بقیه خانوارها بوده است. (سال ۱۳۶۸ دکتر رزاقی)

زرفش و گسترش تحولات فکری - فرهنگی

بعد از انقلاب، اندیشه‌پروزان، فرهنگ‌سازان و سیاست‌پردازان آزادیخواه، مدرن‌گرا، کشور که از درون انقلاب بزرگی گذر کرده اما به آزادی و دمکراسی و توسعه همگون دست نیافته بودند، آرام آرام اما پیگیرانه و عمیق، به داوری در مورد خویش و فرهنگ و تاریخ خویش نشستند، تا گستره اندیشگی خویش را از منظر واقع‌گرائی، عمیق‌تر ببیند. جامعه ما در دهه دوم انقلاب با طوفان اندیشه‌ها مواجه بود. فکر و فرهنگ نوین که ریشه در دوران انقلاب مشروطیت داشته ولی به رغم تلاش‌ها و جنبش‌های گوناگون نتوانسته بود نقش راهبردی در انقلاب بهمن داشته باشد با گذر از پراکنش بزرگ انقلاب و خودآزمایی و کسب تجارب جدید و نیز برخورد نقادانه با خود و پالایش خود از ذنیت سنتی، این بار زرفش، شفاف‌تر و گسترده‌تر درخشیدند. عقل‌گرائی، عقل‌گرائی، انسان‌گرائی، آزادی‌خواهی، عدالت‌خواهی دنیوی، مداخله‌جویی و مشارکت‌جویی در امور زندگی، برابرقوئی، احترام به وجدانیات دیگران، پذیرش دگراندیشی و تنوع افکار، قاعده‌مند و هدف‌مند بودن زندگی، به رسمیت شناختن زن و حقوق برابر زن با مرد، توجه به علم و تخصص و نقش آن در زندگی و گرایش به زندگی بهتر و سبب و شاداب و ددها عنصر دیگر، بیش از همیشه در جامعه ایران رشد کرده است.

۴- تعداد زن باسواد در کشور
تعداد زنان باسواد از ۳۰/۸٪ کل جمعیت باسواد در سال ۱۳۵۵ به ۲۹/۹٪ جمعیت باسوادان کشور در ۱۳۷۶ رسیده است.

۵- تعداد جمعیت دانش آموزی و دانشجویان کشور
از ۷/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به ۱۹/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است.

۶- تعداد دانشجویان زن
تعداد دانشجویان زن در دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی عالی (غیر از دانشگاه آزاد) در سال تحصیلی ۱۳۶۶، ۴۹۰۸۵ نفر (۲۹/۲٪ کل دانشجویان) بوده است و در سال ۱۳۷۵ به ۲۰۹۱۶۳ نفر (به ۳۶٪ کل دانشجویان) افزایش یافته است. در کشور سراسری سال ۱۳۷۷ شمار قبول‌شدگان زن در دانشگاهها بیش از مردان بود.

افزایش شمار باسوادان، به طور کلی و افزایش تعداد دانشجویان و زنان باسواد و دانشجو در کشور، به دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی ابعاد و کیفیت جدیدی بخشیده است.

اگر شرکت فعال زنان در انقلاب بهمن و جنگ و روی آوردن تعداد بیشتر از زنان به اشتغال و

انتخاب می‌کنند.
۱- گسترش و ژرفش تحولات اجتماعی، افزایش نیازها و خواست‌های اجتماعی و اقتصادی منتهی و مثبت اقشار و طبقات مدرن، بی‌ساخت‌ماندن این خواست‌ها توسط حکومت، افزایش نارضایتی‌های مردم، ژرفش و گسترش تحولات فکری - فرهنگی، هم‌سودن و پیوند یافتن تحولات فکری - فرهنگی در جامعه با تحولات اجتماعی و نارضایتی‌های اجتماعی، موجب پیدایش شرایط نوینی در جامعه شده است.

۲- پیدایش و پیشروی جنبش درون‌خیز آزادی‌خواهان و اصلاح‌طلبانه میان شهروندان و اقشار و طبقات مدرن جامعه از یک سو و فروریختن مشروعیات کار میزماک و مشروعیات دینی - سنتی حکومت ققها از سوی دیگر از مولفه‌های اصلی شرایط نوین است. این شرایط با شرایط قبل از انقلاب و دهه اول و دوم انقلاب کاملاً متفاوت است. یکی از ویژگی‌های شرایط نوین، پیدایش جنبش‌های درون‌خیز آزادی‌خواهان و اصلاح‌طلبانه است. ویژگی دوم آن این است که نیروهای جنبش، برای تحقق خواست‌های خود، شیوه‌های مسالمت‌آمیز و نوینی را اتخاذ کرده‌اند.

جنبش دانشجویی، کانون‌های دفاع از حقوق زنان، تلاش مستانه زنان برای مشارکت در حیات سیاسی کشور، کانون‌های دفاع از حقوق کودک، جمعیت دفاع از محیط زیست، جنبش درون‌خیز کارگری، جنبش درون‌خیز دوم خرداد و شرکت آگاهانه مردم در انتخابات ۲۹ بهمن بر بستر این شرایط نوین شکل گرفت و بازتابی از آن است.

۳- بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی علی‌رغم اعمال فشارهای سخت و سنگین بر مردم و آزادی‌خواهان کشور، نتوانستند جامعه را از حرکت بازدارند، آن را به شکل و شمایل سنتی خود درآورند و حکومت صد در صد اسلامی را در کشور پیاده کنند. اما دگرگونی‌های اجتماعی، تحولات فکری - فرهنگی نوین، مبارزات نیروهای آزادی‌خواه و مبارزات اقشار و طبقات مدرن جامعه، توانسته‌اند تناقضات درونی میان جمهوری با نهادهای و نهادهای دینی - سنتی جمهوری اسلامی را آشکارتر کنند، بخش بزرگی از نیروهای مذهبی را تحت تأثیر خود قرار دهد و شکاف بزرگی را در درون جمهوری اسلامی و میان نیروهای درون و بیرون ایجاد کند. هرچه زمان می‌گذرد، راهکارها و ندهای و نهادهای سنتی - دینی تضعیف و شیوه‌های مدرن - دمکراتیک تقویت می‌شوند.

۴- بعد از دوم خرداد و تشکیل دولت خاستی، طرف‌داران ذوب در ولایت مطلقه فقیه، هرآنچه در توان داشتند، به کار گرفتند تا جلوی روند را بگیرند اما جنبش درون‌خیز اصلاح‌طلبانه و آزادی‌خواهان اوج تازه‌ای گرفت و شکست سنگینی را نصیب راهکارهای فقهانی و حکومت ققها کرد. در جریان انتخابات مجلس ششم، مردم هشیار ایران رفرم دیگری را آفریدند. شکاف در درون جمهوری اسلامی و در میان نیروهای جمهوری اسلامی عمیق‌تر شد. در انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی، تعداد روحانیونی که به مجلس راه یافتند، نسبت به تمامی انتخابات قبلی کمتر بود، برای اولین بار لیست انتخاباتی تشکیل‌های روحانیون (جامعه روحانیت مبارز، مجمع روحانیون مبارز، حوزه علمیه قم و...) نتوانست رای اکثریت مردم را جلب کند. برای اولین بار در دوره حیات جمهوری اسلامی یک شکل حزبی غیرروحانی (جنبه مشارکتی) پیروز شد. مجلس ششم تشکیل شد و رئیس و هیئت رئیسه خود را انتخاب کرد. شکست جناح تمامیت‌گرا و سنتی در انتخابات و تشکیل مجلس ششم با ترکیب جدید، اگر چه یک پیروزی و یک گام به سوی آزادی و اصلاحات است ولی تا تحقق آزادی و دمکراسی فاصله زیاد است.

مهندسی تدریجی با چشم‌انداز رقوم یا سرتوکونی؟

وقتی که این تیر را خواندم، علی‌رغم اینکه بارها و بارها آن را شنیده و خوانده بودم، باز هم غریب به‌نظرم رسید. در برابر هم قراردادن رفرم و سرتوکونی می‌تواند این سوالات را در اذهان به‌وجود بیاورد که آیا فقط دو صف‌بندی سیاسی در میان نیروهای سیاسی کشور ما وجود دارد؟ آیا همه اصلاح‌طلبان از یک قماشند و یک هدف سیاسی را پی‌گیری می‌کنند و همه طرف‌داران سرتوکونی از یک قماشند و یک هدف سیاسی دارند؟ آیا رفرم و

اسلامی ایرادی نداشته و ندارد، خیلی هم قانون و نظام خوب و عالی و دمکراتیک بوده و نیازی به اصلاح ندارد و طی این بیست و دو سال، هر ایرادی بوده مربوط به جناح راست خشونت‌طلب بوده است. گویا فقط این جناح بوده و هست که جمهوری اسلامی و قانون اساسی را بد و به نفع خود اجرا کرده‌اند. این تناقض بزرگی است که این بخش از اصلاح‌طلبان دولتی با خود حمل می‌کنند. سمت تحولات و توان جنبش آزادی‌خواهان، سیاست‌های روشن و راهکارهای عقلانی و دمکراتیک را طلب می‌کند. اصلاح‌طلبان دولتی هنوز در روی‌گرد به راهکارهای عقلانی - دمکراتیک و خواست‌های منتهی و مثبت اقشار و طبقات مدرن جامعه، تردید و تعلل‌های فراوانی را از خود نشان می‌دهند.

اما راه‌کاری که مورد ترجیح من است، روش تحولات تدریجی پیگیر و با چشم‌انداز است. این واقعیت دارد که در جامعه در حال گذار ما، نهادهای و نهادها نظیر دین حکومتی، حکومت دینی، ولایت فقیه و ولی فقیه و راهکارهای فقهانی، هم‌سو با تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نوین تاریخا شکل‌گرفته در جامعه نیستند بلکه در برابر آنها، این نهادها و نهادهای تنها از عوامل توسعه سیاسی و فرهنگی و تأمین زندگی آزاد و دمکراتیک و عادلانه هستند بلکه موجب بحران‌های فرساینده‌ای هستند که جان و روان و فرهنگ و اقتصاد جامعه و زندگی مردم را تحت فشار و تخریب قرار می‌دهند. جامعه در حال گذار ما و اقشار و طبقات مدرن، برای حرکت به جلو و فرارونی به جامعه‌های آزاد و دمکراتیک و پیشرفته، جامعه‌ای که در آن عدالت اجتماعی و محیط زیست سالم و زندگی بهتر و شاداب تأمین شده باشد، نیازمند راهکارهای دمکراتیک، ساختار سیاسی دمکراتیک و قدرت سیاسی دمکراتیک است. جامعه ما به یک نظام سیاسی مدرن - دمکراتیک در شکل جمهوری نیازمند است نه نظام فاسد پرتناقض سنتی - دینی - مدرن، کسانی که فکر می‌کنند با حفظ نهادهای و نهادهای دینی - سنتی غیردمکراتیک در قانون اساسی و ساختار سیاسی موجود، قادر خواهند شد جمهوری اسلامی پرتناقض را به یک نظام سیاسی و دمکراتیک و جامعه ایران را به جامعه توسعه‌یافته فرابریوندند، در بهترین حالت، دچار خطای فکری و سیاسی بزرگی هستند. جامعه ایران، اقشار و طبقات مدرن جامعه، به‌ویژه روشنفکران و دانشجویان و مزدبگیران و حقوق‌بگیران کم‌درآمد با دین حکومتی و حکومت ققها و راهکارهای فقهانی مخالف هستند و خواهان راهکارهای دمکراتیک و مشارکت دمکراتیک در تعیین سرنوشت خود و تشکیل نظام دمکراتیک هستند. سنتی مخالف خود با حکومت ققها و راهکارهای در کارهای فقهانی و نیاز و علاقه خود به راهکارهای جدید و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی را، به اشکال گوناگون به معرض نمایش گذاشته‌اند. انتخابات دوم خرداد و شوراها و ۲۹ بهمن نمونه‌هایی از خواست‌های جامعه و مردم هستند.

بنظر می‌رسد روشی که جامعه و اقشار و طبقات مدرن جامعه روی ما گذاشته‌اند نه سرتوکونی ضربتی به سبک انقلاب بهمن است و نه روش رفرم‌های ناپیگیر و ناپیوسته و بی‌چشم‌اندازی است که بخش مهمی از اصلاح‌طلبان دولتی در پیش گرفته‌اند. جامعه به اصلاحات پیوسته، پیگیر و با چشم‌انداز نیازمند است.

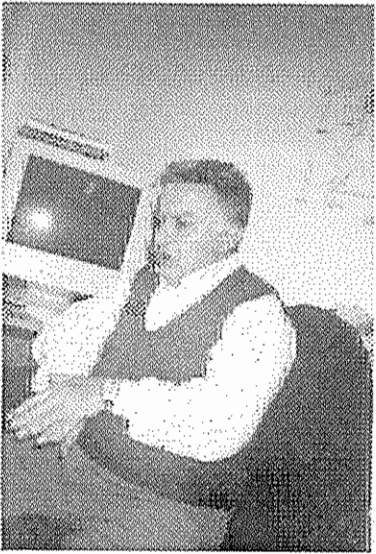
جامعه و اکثریت اقشار و طبقات مدرن جامعه از یک سو نیازمند و خواهان دگرگونی بنیادین در نظام سیاسی دینی - سنتی - مدرن و مناسبات اجتماعی حاکم در جامعه با مضمون و چشم‌انداز آزادی، دمکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی هستند، از سوی دیگر راه تحولات تدریجی و مسالمت‌آمیز را در پیش گرفته‌اند.

مهندسی تدریجی با چشم‌انداز، به این معنا است که نیروهای سیاسی مختلف آزادی‌خواه کشور با حفظ حسویت فکری و جهت‌گیری اجتماعی و برنامه‌های خود، همدار با اقشار و طبقات مدرن مورد نظر خود، و با تکیه بر مبارزات آنها، برای تحقق تدریجی خواست‌های آنها تلاش و مبارزه کنند، روش تدریجی با چشم‌انداز، از یک سو بر دگرگونی بنیادین نظام سیاسی و قانون اساسی و مناسبات اجتماعی موجود با مضمون و چشم‌انداز آزادی، دمکراسی و تشکیل نظام سیاسی دمکراتیک، پیشرفت و عدالت اجتماعی نظر دارد، از سوی دیگر برای تحقق تدریجی این دگرگونی‌ها تلاش و مبارزه می‌کند. از نظر من رفرم‌های مترقی و آزادی‌خواهان، اگر چه مثبت هستند و باید مورد استقبال قرار بگیرند، ولی اگر از تاووم و پیوستگی و چشم‌انداز برخوردار نباشند، راه بجایی نمی‌برند. طرف‌داران مهندسی تدریجی با چشم‌انداز (اصلاح‌طلبان پی‌گیر) تلاش‌ها و اقدامات دولت خاستی و مجلس ششم را از چنین منظری مورد حمایت یا انتقاد قرار می‌دهند. حال اگر این راه‌کار، به‌زعم دیگران، راهکار اصلاح‌طلبانه است یا انقلابی، آمیزه‌ای از هر دو است و یا هیچ کدام، راه‌کاری است که بخشی از نیروهای سیاسی کشور در پیش گرفته‌اند، البته گوش‌های ما برای شنیدن استدالات ادامه در صفحه ۱۲

گفتگو با مهندس عزت‌الله سبحانی

مردم متعادل و منطقی شده‌اند!

عفت ماهاباز



دینی دیگری هم که در برلین صحبت داشتند، در ایران نظرانشان را می‌خوانیم، و روشنگران غیردینی که از بیست سال پیش در واقع همین نظرات را داشتند، یعنی وقتی به مسائل و مشکلات زنان رسیدند همیشه اهم و فل‌ا‌هم کرده‌اند و مسائل دیگر را عده‌تر قلمداد کردند و اصل قرار داده‌اند و به مسئله زنان به بهانه های مختلف، هیچ وقت نپرداخته‌اند با این که زنان هم همین‌ها هستند در تمام مبارزات حضور داشتند، بطور نمونه، در سال ۵۷ یعنی همان فردای انقلاب، وقتی که حجاب اجباری شد و رژیم «داسوسی» یا «توسری» را در واقع به شعار تبدیل نموده، زمانی که ما خواستیم حرکت بکنیم همفکران ما به ما گفتند که مسئله عده‌تر آزادی است، امیرالیمسالان پشت در ایستاده و، و... این وضع ادامه پیدا کرد تا امروز، می‌خواهم بگویم این‌که شما و ما هم‌نظران شما در این زمینه کار نکردند برمی‌گردد به اهمیت که برای این به آن مساله قابل می‌شوند، مسائل زنان کمتر برای این طرز تفکر دارای اهمیت است، همه چیز تغییر کرده ولی شما در این زمینه نظرگاه‌ها و دیدگاه‌ها را تغییر نداده‌است.

من البته یک نکته را به شما بگویم که بلی یک تفاوتی بین ما مذهبی‌ها با سایرین شاید مشاهده بشود بخصوص با نیروهای چپ و بعد با نیروهای ملی و نیروهای سلطنت طلب، البته نیروهای ملی این جور نبودند حتی اگر مذهبی هم نبودند این جوری که تفاوت بین ما و نیروهای چپ و نیروهای سلطنت طلب هست با آنها زیاد تفاوت نداریم نیروهای ملی به ما نزدیک‌ترند، حالا عاقلش هم شاید این است که ما حرفمان این است که شما به ما بگوئید که ایران نسبت به کشورهای پیشرفته صنعتی مثلا آلمان، فرانسه، انگلستان، آمریکا و کشورهای نسبتا دست دوم کشورهای اروپای شرقی یا مثلا ایتالیا، اسپانیا، پرتغال یا چین کمونیست، ژاپن، آسیای شرقی سنگاپور نسبت به حقوق زنان، ایران چقدر عقب‌تر است ما تمام آن عقب‌ماندگی‌هایی که نسبت به حتی پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی جهان، وجود دارد، ما آن تفاوت‌ها را مایل و علاقمندیم و می‌خواهیم اصلاح کنیم که در آن موقع اصرار هم داریم که باید برداشته شود و زنان ما آن حقوقی که در جهان پیشرفته وجود دارد، برسد ما اینها را قبول داریم اما من چون در خارج نبودم الان قضاوت نمی‌کنم من از شما سؤال می‌کنم شما خودتان به من بگوئید که زنان در این‌جا (خارج) چه حقوقی دارند؟ حقوق قانونی یا حقوق اجتماعی و سستی، چه دارند که زنان ایرانی از آن محرومند اگر اینها را بفهمانید من روی یکی یکی آنها می‌توانم بگویم.

می‌خواهند چهاردهانی که به دلیلی سوابقی دارند معرفتی دارند بتوانند کاندیدا شوند و این‌جا شورای نگهبان نباید انتخابات درجه اولی درجه دومی بکنند. می‌خواهند که نهادهای نهادی زورمند، نهادهای صاحب قدرت مثل نیروی انتظامی، مثل سپاه، مثل صدا و سیما، اینها در امور داخلی مردم در امور اجتماعی سیاسی مردم دخالت یک‌طرفه نکنند و نسبت به بازتاب همه واقیقت‌های درونی جامعه ایران بی‌طرف باشند. یک چیزهای مشخص و معینی را می‌خواهند که اگر اینها را بخواهیم بشماریم نسبتا زیاد است یا در مورد عدالت اجتماعی هم فعلا من خودم این را قبول ندارم این حدی که امروز پیش جامعه ما می‌خواهد. جامعه ما از عدالت اجتماعی برحسب اطلاعاتی که در این ۲۰ ساله دولت و حاکمیت و قبل از آن نیروهای سیاسی و چریک‌های انقلابی گرفته‌اند اینها شده یک مبنای عدالت اجتماعی. اینها را بطور ناقص به مردم تفهیم کرده‌اند اینها قبول کرده‌اند که عدالت اجتماعی یعنی فقط تساوی درآمدهاست یا نسبتا تساوی نسبی درآمدهاست، در حالی که فقط این نیست و این یک بخش از قضیه است در مورد این‌که مردم در مقابل قوانین تساوی داشته باشند، این‌که قوانین مجازات یا قوانین حقوقی نسبت به مردم، با دید یکسان و بی‌غرض بی‌مرض بدون گرایش خاص در مورد مردم اجرا شود، در مورد استخدامها مثلا گزینشی وجود نداشته باشد، در مورد چیزهای تحصیلی و تحصیلات بالا و عالی‌گزینی وجود نداشته باشد اینها همه مشمول ابعاد مختلف عدالت اجتماعی است، اینها وجود ندارد و مردم به هر صورت اینها را می‌خواهند. امروز عدالت اجتماعی برای مردم ما بسیار ابداش روشن‌تر و واضح‌تر از آنی است که در سال ۵۷ بود.

سال ۵۷ با یک نیروی دانشمندی ارمان‌گرا و ایدئال‌اندیش، و دید آتوپایی بسیار حاکم بود. اندیشه آتوپایی، مثلا فرض کنیم که در آن موقع می‌گفتند جامعه بی‌طبقه توحیدی، اما هیچ‌کس این جامعه بی‌طبقه توحیدی را تعریف نکرده بود که در جامعه بی‌طبقه توحیدی آیا منظور وحدت تساوی اشتراک اقتصادی است یا نه؟ در زمینه سیاسی و فرهنگی می‌خواهند اشتراک داشته باشند؟ یا آیا وجود برخی افراد نخبه یا تفاوت استعدادهایی در وجود انسان تفاوت کار و کوشش و زحمات آدمیان، آیا اینها جایگاهی دارد یا نه؟ آیا کسی به قدر کافی از کوشش خود باید بهره‌مند شود؟ و اگر چون انسان‌ها بین‌شان تفاوت است می‌شود عدلهای از طریق کار و کوشش، بیشتر بهره‌مند بشوند؟ اینها تعریف نشده، معین نبود به این جهت که امر بسیار آتوپایی بود ولی امروز از آن خواسته‌های آتوپایی پائین آمده‌اند و یک زندگی بالانسیه آرام، بالانسیه معاش تامين شده اجتماعی می‌خواهند. اشتغال می‌خواهند و خیلی هم ادعاهای بالایی مطرح است، محروم است و این حرف‌ها را هم ندارند. در رابطه با فضای جهانی هم خوب این‌که آقای خاتمی حالا مطرح کرده‌دولتی نیروها هم تقریبا همه همین را می‌خواهند، می‌خواهند با همه دنیا روابطشان خوب باشد نمی‌خواهند زیردست دنیا باشند از آن طرف هم ادعای براندازی دنیا را ندارند. خوب به اصطلاح تشنج‌زدائی را می‌خواهند الان همه ایرانی‌ها این را می‌خواهند حتی آدم‌های نسبتا عامی و بی‌سواد هم این‌ها را می‌خواستند که ما از این‌که در فضای جهانی خصومت و دشمنی برانگیزی یا دشمنی‌هایی علیه ما باشد یا خودمان دشمنی اقامه کنیم چیزی عاید ملت ما نمی‌شود این را همه فهمیده‌اند اما در زمان انقلاب این چیزها مطرح نبود. آن موقع براندازی استیجاری جهانی این شوری که می‌خواندند «فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم»، شعری که یک دور در رادیوسو می‌خواندند حسین حزب‌اللهی‌ها می‌خواندند که «تخت‌شده‌هاشان شد وازگون، بخت‌تبهکاران شد سرنگون»، ما وارث و طالب آزادی و معراج انسانییم، می‌گویم ادعاهای زیادی الان کمتر وجود دارد، بیست سال تجربه در واقع مردم را متعادل کرده، مردم را منطقی کرده و از حالت هیجانی انقلاب خارج کرده است، اینها تفاوت‌هایی است که به نظر من می‌رسد اگر دقت بکنید شاید در زمینه‌های دیگر هم تفاوت‌هایی مشاهده کنید.

عفت ماهاباز: آقای مهندس سبحانی، با اجازه شما سخن را با مسایل زنان آغاز می‌کنم. من از دیدگاه‌های نیروهای ملی - مذهبی در رابطه با مسائل زنان استفاده داشتم. علیرغم تغییرات بسیاری که در نظرات و دیدگاه‌های تمامی مردم ایران و از جمله نیروهای ملی - مذهبی پدید آمده است برخورد این نیروها در رابطه با مسائل زنان هنوز با یک نظرگاه مدرن فاصله بسیار دارد. آیا ممکن است جنابعالی در این باره توضیحی بفرمائید.

مهندس سبحانی: بسم‌الله الرحمن الرحیم. البته من هم تصدیق می‌کنم بعد از انقلاب واقعا دیدگاه نیروها نسبت به زنان خیلی تغییر کرده و تحول اساسی پیدا کرده، ولی به نظر من دلیل آن این است که جامعه هم تغییر کرده و فضای عینی که محیط بر ماست سبب تغییر شده و کسانی هم که در داخل این جامعه هستند کم و بیش از این جامعه متاثر می‌شوند. در جامعه ما یعنی هر کسی که در ایران زندگی می‌کند لازم نیست که دید آماری یا کارشناسی داشته باشد اصلا به چشم می‌بیند حضور بارز زنان را، که الان خیلی زیادتر شده است. در تمام مشاغل شما زنان را می‌بینید حالا دانشگاه‌ها را خودتان هم واقفید و گفتید که ۵۲٪ دخترها در کنکور سراسری قبول شده‌اند. در مشاغل مثل روزنامه‌نگاری، روزنامه‌هایی در این چند سال اخیر در آمده‌اند و روزمردانه و تشکیلات دارند تشکیلات اداری مثل روزنامه عصر آزادگان خیلی اداره بزرگ و وسیعی است شما می‌روید آن‌جا می‌بینید که بیش از ۵۰٪ کارکنان آن‌جا زن هستند دختران جوان هستند یا آنهایی هستند که رشته‌های روزنامه‌نگاری را خوانده‌اند، اهل قلند، مترجمند، رشته‌های فنی کار کرده‌اند، ما الان در تمام رشته‌ها متخصص زن داریم. بنابراین ما هم جزو جامعه ایران هستیم، در افکارمان هم هیچ تعصبی وجود ندارد. ما هم همراه با جامعه با حقوق زنان مقابله می‌کنیم و به قدری در رابطه با حقوق زنان مقاومت داریم این است که فقط هم راجع به حقوق زنان نیست راجع به بسیاری از حقوق‌هاست، راجع به مسائل فرض کن اقتصادی هم هست، بسمی که چیزهایی چو می‌شود در ایران، وقتی که جو می‌شود همگان کوشش می‌کنند که مسابقه بگذارند هیچ‌کس نمی‌خواهد از دیگری عقب بماند. لذا جنبه عقلانی آن عمل از دست می‌رود و جنبه تبلیغاتی آن غلبه می‌کند. مثلا اوایل که آقای خاتمی آمد بود می‌گفتند که ایشان می‌خواهد یک وزیر زن داشته باشد حتما می‌خواهد در کابیناش یک وزیر زن باشد بنده با این چیزها مخالف هستم صریحا هم می‌گویم.

آقای سبحانی شما چگونه از پس و کارهای نمایشی می‌توانید. زن‌ها در این چند سال در زمینه ادبیات و هنر و مسائل فرهنگی و علمی رشد شایان توجهی نموده‌اند. جایزه‌هایی که اسامی در دنیا در این زمینه‌ها به زنا تعلق گرفت، نشان از لیاقت و توانایی آنان می‌دهد. چرا تنها به عرصه سیاست که می‌رسد غیر از این‌ها نمی‌شود. مگر این آقایانی که در هیئت دولت هستند چندنایبان آن خبره‌هایی هستند که شما می‌گویید؟! هر کسی را در مقایسه با خودش بگویند.

عرض کنم که نگفتم که نیستند یا نداریم. بلکه زن برتر نداریم. من می‌گویم که اگر یک زن برتر در رشته‌های خاص در یکی از وزارتخانه‌ها داریم که برتری‌هایی نسبت به مردانه‌ها هم که کاندیدا هستند (نمی‌گویم نسبت به تمام مردها) من می‌گویم بگذارید و مخالفت هم ندارم و تشویق هم می‌کنم. ولی اگر فقط می‌خواهیم نشان بدهیم که وزیر زن داریم و بنابراین مترقی هستیم من با این مخالفم. من غیر از این هیچ حرف دیگری ندارم. یک نکته دیگر هم راجع به زن‌ها دارم هر چه بیشتر زن‌ها در امور اجتماعی دخالت کنند در امور سیاسی دخالت کنند بنده بسیار مشوق هستم و خودم از قبل از انقلاب پاور کنید نمی‌دانم شما از سوابق من در قبل از انقلاب اطلاع دارید یا نه؟ من از سال ۵۰ به این طرف اصلا به این رسیده‌ام که ما یک پیک را در حل، حل مسائل فرهنگی، دختر و پسر، زن و مرد، مسائل فرهنگی اخلاقی‌مان، این است که دخترها هم مثل پسرها سیاسی بشوند بیایند توی صحنه. همان مسائلی که پسر ذهنش مشغول است دختر هم باشد. چطور ما می‌گوییم که مساویند خوب در این مسائل مورد ذهنی هم باید مساوی باشند. بنابراین شما این تعجب‌تان را پس بگیرد.

جناب آقای سبحانی شما در سخنرانی دیروزتان از تفاوت امروز با ۲۰ سال پیش چند نکته را متذکر و یک دو و سه کردید. اگر ممکن است مردهای ۲، ۳، ۴، ۵ بشمارید و در این زمینه‌ها توضیحاتی بدهید؟

راجع به تفاوت‌های شرایط سیاسی، اجتماعی امروز با سال ۱۳۵۷ - ۱۳۵۶ عرض کنم که تفاوت‌هایی پیدا شده این تفاوت‌ها بعضا معطوف هست به تغییر ساخت و بافت اجتماعی ما به لحاظ جمعیتی و بینه‌ای، و یک بخش دیگر معطوف است به تجاری که ملت و بعضی سخن‌گویان و رهبران ملت در طی این بیست ساله پیدا کرده‌اند و بنابراین تغییراتی هم در رفتار و روش‌هایشان امروز ایجاد کرده‌اند. حالا من به برخی از آن تفاوت‌هایی که تا حالا به ذهن و نظرم

